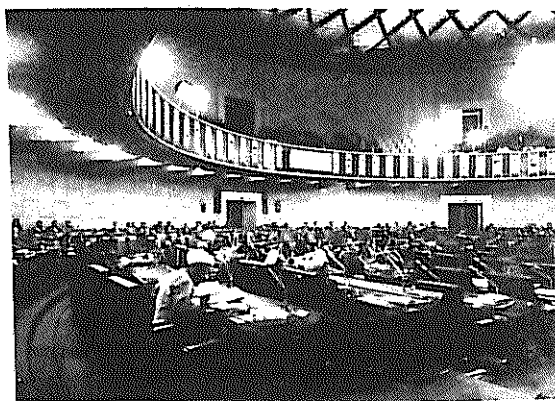


اکثریت مجلس این هفته به جنگ مطبوعات می رود مردم از نمایندگان اصلاح طلب ایستادگی در برابر طرح نابودی مطبوعات را می خواهند



این هفته مجلس شورای اسلامی شور دوم لایحه اصلاح قانون مطبوعات را در بررسی و تصویب قرار داده است. در حالی که علیرغم وعده‌های ناطق‌نوری رئیس مجلس به هنگام تصویب کلیات طرح، کمیسیون‌های بررسی‌کننده «اصلاح» قانون مطبوعات، بر موارد محدودکننده این طرح به میزان زیادی افزوده‌اند و آن را به سلاحی برای مقابله با مطبوعات اصلاح طلب تبدیل کرده‌اند. فشار افکار عمومی برای مسکوت ماندن این طرح دم به دم بیشتر می‌شود. روزنامه‌نگاران و تشکل‌های دانشجویی و مردمی با انتشار بیانیه‌های متعددی خواستار آن شده‌اند که مجلس این طرح را تصویب نکند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در پیام سرگشاده‌ای به ریاست مجلس همین خواست را مورد تاکید قرار داده است. دوازده تشکل وابسته به دوم خرداد با انتشار بیانیه مشترکی از نمایندگان مجلس خواسته‌اند به مسکوت ماندن طرح رای دهند. آن چه در این میان قابل توجه است، نبودن امضای بزرگ‌ترین تشکل‌های وابسته به دو خرداد یعنی مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در پای این اعلامیه است.

نویسندگان و دانشجویان، در فضایی که دشمنان آزادی بعد از توقیف روزنامه سلام، به بهانه انتشار نامه محرمانه سعید اسلامی به وزیر اطلاعات ایجاد کرده بودند، تصویب شد. تدوین همین طرح اصلاح قانون مطبوعات با هدف بستن اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران، شکست تلاش محافظه کاران برای تبدیل موج به طوفانی علیه اصلاح طلبان، آنان را واداشت که تصویب طرح اصلاح مطبوعات را با عجله وارد دستور کار مجلس کنند. کلیات این طرح در نیمه اول تیر ماه، علیرغم اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران،

تاکتیک بعد از «طوفان»

شکست تلاش محافظه کاران برای تبدیل موج به طوفانی علیه اصلاح طلبان، آنان را واداشت که تصویب طرح اصلاح مطبوعات را با عجله وارد دستور کار مجلس کنند. کلیات این طرح در نیمه اول تیر ماه، علیرغم اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران،

بعد از تصویب کلیات طرح که به یورش به کوی دانشگاه و تظاهرات شش روزه سراسری دانشجویان منجر شد، اکنون نوبت بحث و تصویب جزئیات آن رسیده است.

عمل به وصیت‌نامه یک «جاسوس»!
در طرح اصلاح قانون مطبوعات، نمایندگان سازمان

تلیفات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و انجمن جمعیه بر ترکیب اعضای هیات نظارت بر مطبوعات اضافه شده‌اند و به این هیات اختیار داده شده است هر روزنامه‌ای را که متخلف تشخیص می‌دهد، بدون تشکیل دادگاه مطبوعات و حضور هیات منصفه، تعطیل کند. در ادامه در صفحه ۳

دادگاه انقلاب
آذربایجان شرقی
چهارده دانشجو
را به زندان‌های
۷ تا ۹ سال محکوم کرد

دانشجویان زندانی با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و آموزش عالی نسبت به احکام خود و شکستجه در زندان اعتراض کردند

دادگاه انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی، گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز را به جرم شرکت در تظاهرات دانشجویی تیر ماه در این شهر، به حبس‌های سنگین ۷ تا ۹ سال زندان محکوم کرد. دادگاه این دانشجویان بطور غیرعادی، بدون برخورداری از حقت دفاع و داشتن وکیل مدافع برگزار شد و حتی از اعلام خبر آن خودداری گردید.

۱۴ نفر از دانشجویان زندانی که بیشتر به کانون مستقل دانشجویی این ادامه در صفحه ۲

با حمایت صریح خامنه‌ای از محمد خاتمی
محافظه کاران در نخستین
رویارویی آشکار خود با
رئیس جمهور، شکست خوردند

خاتمی گفت اگر جلوی «اهانت‌ها» را نگیرد «روزی خواهد رسید که با چهره گرم کرده از کشور خارج خواهد شد». «حزب‌الله» با انتشار بیانیه‌ای «حجت» را بر رئیس جمهور تمام کرد و این اظهاریه به طور گسترده‌ای در مطبوعات ارتجاعی بازتاب یافت. عسکراولادی، دبیرکل جمعیت مولفه، از مردم خواست دست به راهپیمایی‌های سراسری اعتراضی بزنند.

رو دررویی آشکار
افراطی‌ترین بخش جناح
محافظه کار حکومت با
خامنه‌ای به عقب‌نشینی موقت
افراطیون راست انجامید.

حملات بی سابقه
حملاتی که محافظه کاران به
بهانه انتشار نمایاننامه «کنکور،
وقت ظهور!» در نشریه
دانشجویی «موج»، علیه خاتمی
در طول دو هفته گذشته سازمان

نقدی: اجرای حکم خدا
محمدرضا نقدی فرمانده
حفاظت نیروی انتظامی در یک
سخنرانی در برابر زیر دستان
خود، اعلام کرد که اگر مسئولان
«حکم خدا» را اجرا نکنند، او
شخصاً این حکم را به اجرا خواهد
گذاشت. نقدی گفت: «بسنده
محمدرضا نقدی، فرزند جواد نه
ادامه در صفحه ۷

پاسخ‌گفته به خواست‌های برحق

هفته گذشته، سخن مجلس شورای اسلامی شاهد پرسش و پاسخ نماینده سنجید و وزیر کشور پیرامون رویدادهای بسم و اسفند سال گذشته در کردستان بود. در نیمه دوم زمستان سال گذشته پس از ربودن عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران ترکیه توسط نیروهای امنیتی ترکیه، تظاهراتی که در آغاز به حمایت از اوجالان برپا شده بود، به همایشی گسترده علیه سیاست‌های ضد کردی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردید. تظاهرات مسالمت‌آمیز هزاران نفر از مردم با شعار زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد بنا منطقه نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد و عوامل مسلح رژیم سزده نفر را کشتند. یک کسودک دو ساله نیز قربانی خشونت نیروهای سرب‌گر رژیم شد. پس از مشاهده سکوت، بهال‌الدین ادب نماینده سنجید در مجلس شورای اسلامی در خصوص وقایع بسم و اسفند سال گذشته در جلسه علنی مجلس گفت: مردم بی‌گناه و بی‌تقصیر این منطقه به صحنه آمدند و در چارچوب منافع ملی تجمع کردند و شعار دادند. نیروهای نظامی و انتظامی به یک‌بارہ ادامه در صفحه ۲

مجلس چندین ماده محدودکننده دیگر بر قانون انتخابات افزود

وزارت کشور اعلام کرد به علت آن که قانون جدید دیر به تصویب رسیده است، آن را اجرا نخواهد کرد

تلاش‌های «قانونی» جناح محافظه کار حکومت به منظور حفظ اکثریت مجلس در انتخابات بهمن‌ماه آینده با نزدیک شدن زمان برگزاری این انتخابات شتاب بیشتری گرفته است. اکثریت محافظه کار مجلس فعلی، به سرعت دست‌اندرکار تصویب مقرراتی است که به کمک آن، دشمنان اصلاحات بتوانند مواضع خود را حفظ کنند و مواضع رقبای را یکی پس از دیگری از دستشان خارج سازند. از جمله مصوبات اخیر مجلس، اصلاح قانون انتخابات است که در دو هفته اخیر، مواد دیگری از آن به تصویب رسید.

مواضع ارتجاعی تازه
به موجب یک بخش از

شورایا استعفا دادند، ترند بعدی را به کار بست که متضمن بیرون راندن رقبای از صحنه به بهانه کافی نبودن زمان بین استعفاها و انتخابات است. اکنون کار محافظه کاران چنان به پستی و فرومایگی کشیده است که قوانین را در خدمت حذف یا به بازی گرفتن افراد تصویب می‌کنند. رئیس مجلس تشخیص مصلحت نظام را از استعفا برای شرکت در انتخابات مستثنی کردند تا راه ورود رفسنجانی به مجلس را هموار کنند و زمان بررسی صلاحیت کاندیدها را چنان طولانی ساختند تا قبل از همه عبدالله نوری را به عنوان عمده‌ترین کاندیدای اصلاح طلبان برای ریاست مجلس، در پشت در مجلس نگاه دارند!

اقدام بعدی مجلس، افزایش حداقل سن رای‌دهندگان از ۱۵ به ۱۶ است. بسدین ترتیب، ۱/۵ میلیون نوجوان از حق رأی دادن محروم می‌شوند. جناح محافظه کار که می‌داند اکثریت و نوجوانان تشکیل می‌دهند، می‌خواهد با بالا بردن سن رأی دادن، از آرای مسالقه اصلاح طلبان بکاهد. زمانی بود که جمهوری اسلامی برای بالا بردن آمار انتخابات، سن رأی دادن را نخست به ۱۶ و سپس به ۱۵ سال کاهش داد. اکنون باز هم می‌دلوخواه، سن رأی دادن را تغییر می‌دهند، این بار در جهت عکس. ریش و قیچی در دست آقایانی است که اگر می‌توانستند، قوانینی وضع می‌کردند که به موجب آن فقط طرفداران جناح راست بتوانند در انتخابات شرکت کنند. نکته دیگر در مصوبات اخیر مجلس، ایسن است که طبق ادامه در صفحه ۵

مصوبات اخیر، زمان بررسی صلاحیت کاندیدها از ۲۹ روز به ۶۰ روز افزایش یافت. اگر این مصوبه اجرا شود، همه کسانی که در شهریورماه برای شرکت در انتخابات از سمت‌های دولتی خود استعفا دادند، از کاندیدا شدن برای مجلس ششم محروم خواهند شد. این امر از جمله شامل برخی چهره‌های جناح اصلاح طلب حکومت مانند عبدالله نوری است که در شهریورماه از نمایندگی شورای شهر تهران استعفا داد. اکثریت مجلس، نخست همه اعضای شوراهای شهرها را از کاندیدا شدن در انتخابات مجلس محروم کرد، و هنگامی که اعضای اصلاح طلب شوراهای برای شرکت در انتخابات مجلس از نمایندگی

مردم ایران رابطه علنی با آمریکا می خواهند

سختی نشینده‌اند و نمی‌دانند چرا آن سخنان دلجووانه کلیتون که یک سال پیش در استقبال از سیاست اعلام شده از سوی خاتمی مطرح شد، ناگهان رنگ تهیام گرفته و واشنگتن سیاست «گام‌های متقابل» را حداقل به طور موقت کنار گذاشته است. محتوی کامل نامه کلیتون و پاسخ رهبران جمهوری اسلامی تاکنون فاش نشده است، اما از گفته‌های جمیز روین سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا و

مردم ایران در حالی که منتظر شنیدن گزارش محتوی نامه بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا به خاتمی بودند، هفته گذشته ناگهان با این خبر در روزنامه‌های کشور و برور شدند که دولت آمریکا، ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده است. در این باره که محتوی نامه کلیتون به رهبران جمهوری اسلامی چه بوده و چرا ایران از طرف آمریکا تهدید نظامی شده است، تاکنون مردم از زبان مقامات رسمی کشور

پاسخ حمید آصفی همتای ایرانی او چنین بر می‌آید که مسئله مبارزه علیه تروریسم و به‌طور مشخص انفجار پمب در پایگاه نظامی آمریکا در عربستان سعودی و یافتن عوامل این انفجار، بخشی از نامه کلیتون بوده است. کلیتون در این نامه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است برای یافتن تروریست‌هایی که در پایگاه الخیر در طهران عربستان بمب گذاشتند، همکاری کند. رهبران

سرمقاله

حمایت خامنه‌ای از خاتمی حمایت از جنبش دوم خرداد نیست

روز جمعه ۹ مهرماه، خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه از خاتمی رئیس جمهور دفاع کرد و گفت نوشته نشریه موج را نباید به حساب دولت گذاشت. او ضمن استقبال از واکنش نشان دادن مردم در قبال آنچه که آن را توهین به امام زمان خواند، گفت مجازات نویسندگان چنین مطالبی به عهده حکومت است. خامنه‌ای در عین حال از عملکرد مسئولان فرهنگی دولت که می‌گذارند چنین مطالبی منتشر شود، انتقاد کرد و آنان را به تجدید نظر در سیاست‌هایشان فرا خواند.

چه اتفاقاتی افتاد که رهبر حکومت اسلامی تنها چند هفته پس از سخنانش در مشهد که در آن، نویسنده مقاله‌ای بسیار محتاطانه علیه مجازات اعدام را تلویحاً مستحق اعدام دانست، هوادارانش را به اعتدال فرا خواند؟ آیا او به هواداران توسعه سیاسی و رواداری پیوسته است؟ آیا از این پس، جنبش دوم خرداد می‌تواند روی حمایت یا حداقل بی‌طرفی ولایت فقیه حساب کند؟

این نخستین بار نیست که خامنه‌ای ظرف مدت کوتاهی از یک سو به سویی دیگر مانور می‌دهد. دو روز پس از یورش نیروی انتظامی به کوی دانشگاه در تیرماه، رهبر حکومت از قربانیان این یورش دلجویی کرد، اما تنها ۴۸ ساعت بعد «فرزندان بسیجی» اش را فرا خواند تا به سیاق حمله به کوی دانشگاه، تظاهرات دانشجویان را متفرق و آنان را «منکوب و مرعوب» کنند. در آینده نیز باید منتظر چنین مانورهایی در مواضع خامنه‌ای باشیم.

در سخنرانی اخیر خود نیز، او دفاع از شخص خاتمی را با حمله به مهم‌ترین و ملموس‌ترین دستاورد دوم خرداد که باز شدن نسبی فضای فرهنگی و افزایش امکان بیان عقاید و نظرات مختلف در مطبوعات است، توأم نمود و به هوادارانش فرست داد تا در این عرصه همچنان دولت را زیر فشار قرار دهند و به مبارزه خود با آن ادامه دهند. اطلاعاتی دوم جامعه روحانیت مبارز در حمله به سیاست‌های فرهنگی دولت با استفاده از چنین فرصتی تهیه شد.

موضع‌گیری اخیر خامنه‌ای یک مانور سیاسی برای جلوگیری از بحران بیشتر و کنترل آن بود. رهبر جمهوری اسلامی همواره دو کارکرد و نقش توأم داشته و دارد. او هم رهبر جناح فقهاتی و محافظه کار رژیم است و هم رهبر کل رژیم، معمولاً در اکثر موارد، او می‌تواند این دو نقش را ایفا کند، بدون اینکه دچار تناقض شود. اما مواردی نیز هست که خامنه‌ای در موقعیت خود به عنوان رهبر نظام، به عنوان کسی که قاعدتاً باید بیش از سایرین نگران نیات نظام باشد، ناگزیر است از تندروی‌های افراطی‌ترین عناصر جناح راست بکاهد و آنان را به عملکرد «معقول» فرا خواند. چنین موقعیتی، در هفته‌های اخیر پیش آمد. طوفانی که از «موج» برخاست و حملات ادامه در صفحه ۳

یادداشت

سلاحی قدرتمندتر از همه سلاح‌ها!

در حالی که در اوج حملات محافظه کاران به رئیس جمهور به بهانه چاپ نمایشنامه‌ای در یک نشریه دانشجویی، محمد خاتمی از مخالفان خود خواسته بود که «موج را به طوفان تبدیل نکنند»، اما تنها زمانی که علی خامنه‌ای به صراحت از خاتمی به دفاع برخاست و اعمال خودسرانه خارج از قانون را نفی کرد، این موج فرو خوابید و روخوانی محافظه کاران خاموش شد.

در همان حال که هواداران دولت که برای نخستین بار ولی فقیه را حامی خود یافته و از عقب‌نشینی محافظه کاران شادمانی می‌کنند، دشمنان آزادی در عرصه‌های تعیین‌کننده تری بخت خود را برای پیروزی می‌آزمایند. طرح اصلاح قانون مطبوعات قرار است این هفته در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. مجلس کار اصلاح قانون انتخابات را به پایان رسانده است و با افزودن مواد ارتجاعی دیگری بر آن، شرایط برگزاری انتخابات را به سود محافظه کاران سهل‌تر کرده است. دادگاه مطبوعات، نشاط را برای همیشه تعطیل کرده و اکنون فشار را بر سایر نشریات باقی‌مانده اصلاح‌طلب تشدید نموده است. در حالی که جناح هوادار دولت، همه تلاش خود را برای آرام نگاه داشتن دانشجویان به کار گرفته است، دادگاه‌های انقلاب به تعقیب و پیگیری دانشجویان مبارز و آزادی‌خواه ادامه می‌دهند و برای انسان زندان‌های سنگین و طولی مدت می‌پزند، از دانشگاه‌ها اخراجشان می‌کنند و می‌کوشند با استفاده از کوشش دانشجویان برای جلوگیری از ایجاد آشوب‌های موردنظر محافظه کاران، کمر جنبش آنان را بشکنند.

با این همه محافظه کاران دشمن آزادی، در هراسی رو به افزایش به سر می‌برند و علیرغم همه اقدامات سرکوبگرانه خود، از پیروزی در انتخابات مجلس ششم، که مهم‌ترین هدف آنان را تشکیل می‌دهد، مطمئن نیستند. آنان اگر ابزارهای قدرت را در دست دارند و به خوبی نیز از آن‌ها استفاده می‌کنند، اما از داشتن یک ابزار تعیین‌کننده، یعنی اعتماد و جانبداری مردم محروم هستند. و به نظر چنین می‌رسد که مردم آماده می‌شوند تا از فرصت تاریخی دیگری که انتخابات مجلس ششم، علیرغم همه محدودیت‌های ایجاد شده بر سر راه آن، برای آنان ایجاد کرده است، بار دیگر ضربه خوردکننده‌ای بر استبداد و دیکتاتوری وارد آورند. اقدامات محافظه کاران برای آن‌که بتوانند جلوی سرریز شدن اراده مردمی را که آزادی می‌خواهند، سد کنند، حقیقتاً از آن است که آنان بتوانند به آینده امیدوار و خوش‌بین باشند.

۶ نفر دیگر در ارتباط با قتل‌های زنجیره‌ای دستگیر شدند

سازمان قضایی نیروهای مسلح روز جمعه گذشته اعلام کرد، به حکم دادسرای نظامی تهران، شش نفر دیگر در ارتباط با قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷ در تهران دستگیر شده‌اند. در این گزارش آمده است تحقیقات درباره میزان دخالت متهمان

دستگیر شده و نقش آنان در این جریان ادامه دارد. این اطلاعاتی می‌افزاید: به لحاظ آن‌که در حال حاضر انتشار جزئیات موضوع ممکن است در روند تحقیقات اختلال ایجاد کند، لذا اطلاعات بیشتر در مورد هویت متهمان در آینده منتشر خواهد شد.

همسو سعید امامی جزو دستگیرشدگان است چند روز پیش از اطلاعاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح، روزنامه تهران تایمز از قول یک منبع اطلاعاتی نوشته بود «چند تن از دستیاران سعید امامی، از جمله همسر وی و

همچنین برادر زن موسوی توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده‌اند». به نوشته این روزنامه: دستگیرشدگان تحت بازجویی قرار گرفته‌اند. همسر سعید امامی پیش از این در موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر ایران مشغول به کار بوده است.

دادگاه انقلاب

آذربایجان شرقی ۱۴ دانشجوی را...

ادامه از صفحه اول دانشگاه وابسته هستند، با ارسال نامه‌ای به موظفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، ضمن اعتراض به محکومیت‌های سنگین خود، از رفتار غیرانسانی که در زندان با آنان صورت می‌گیرد، خبر داده‌اند. در بخشی از نامه این ۱۴ دانشجو از جمله آمده است:

«به استحضار جنابعالی می‌رسانیم که ما دانشجویان در بند زندان تبریز (به پیامد واقعه بیست تیر دانشگاه تبریز) از مسیحی که در آن به سر می‌بریم به تنگ آمده‌ایم و از شما به عنوان مقام مسئول و متولی دانشگاه‌های کشور تقاضا داریم، هرچه سریع‌تر به وضعیت ما رسیدگی نمایید». دانشجویان زندانی در ادامه نامه خود به شرح رفتار غیرانسانی و شکنجه‌هایی که در زندان نسبت به آنان صورت می‌گیرد پرداخته و از جمله نوشته‌اند: پس از آن همه بی‌حرمتی، شروع به فحاشی به تمام دانشجویان کرده و ما را معاند نظام خطاب می‌کنند. دانشجویان نوشته‌اند: «فریاد شکایت و دادخواهی ما را بشنوید». آنان در نامه خود به وزیر فرهنگ و آموزش عالی، تاکید کرده‌اند «مومن و معتقد» به جمهوری اسلامی هستند و پرسیده‌اند پس چرا باید جای آنان در زندان باشد؟ دانشجویان در بند در پایان نامه خود افزوده‌اند: «دادخواهی خود را به نبرد شما می‌وفتیم و تقاضا می‌کنیم با توجه به مفاد ماده (۳۰) قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب و نیز با عنایت به اتمام رسیدگی و انقضای دلیل قرار پانزده تیر، راه حل قانونی جهت آزادی یا قرار وثیقه و یا هر رادخل دیگری، اقدام مقتضی معمول گردد».

در همین حال، محمدرضا میلانی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد «متأسفانه هیچ اقدامی برای دانشجویان زندانی تبریز نشده است». به نوشته روزنامه خرداد، این نماینده خواستار ملاقات با دانشجویان زندانی شده است، اما درخواست او نیز تاکنون از سوی مقامات مسئول دادگاه انقلاب آذربایجان و زندان تبریز بی‌پاسخ مانده است. میلانی در مصاحبه با روزنامه خرداد به برگزاری دادگاه دانشجویان در پشت درهای بسته اعتراض کرد و گفت که توده دانشجویان اتهاماتی را که دادگاه علیه دوستانشان وارد کرده است، باور ندارند. از جمله اتهامات دانشجویان در بند «ارتباط با عوامل بیگانه» است.

در همین حال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز در اطلاعیه‌ای وابستگی دانشجویان زندانی به خود را رد کرده و بدون این که خواهان آزادی آنان شود، به تاکید بر پیگیری خواست‌های دانشجویان بسنده نمود. از واکنش اعتراضی سایر تشکلهای دانشجویی و از جمله دفتر تحکیم وحدت نیز نسبت به محاکمه غیرعادلانه و احکام صادره نسبت به این دانشجویان گزارشی در دست نیست. کانون مستقل دانشجویان تبریز، که بیشتر دانشجویان در بند وابسته به آن هستند، تاکنون با انتشار اطلاعیه‌هایی خواهان پایان دادن به فشار و پیگردهای دادگاه‌های انقلاب علیه وابستگان این کانون و سایر دانشجویان آزادی‌خواه شده است.

دهها حزب و سازمان ایرانی و خارجی

خواهان پایان دادن به فشار علیه دانشجویان در ایران شدند

(اکثرت)، اتحادیه سازمان فدائیان خلق ایران، شورای مسوقت سوسیالیست‌های ایران، حزب دموکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان پارس، جبهه ملی ایران (اروپا)، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب جمهوری ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، حزب دموکرات کردستان ایران، انجمن گفتگو و دموکراسی، کمیته ایرانی - فرانسوی علیه اختناق، کمیته زنان علیه سنگسار، اکسیون برای اتحاد و سوسیالیسم در چاد، دموکرات‌های کنگو پرازویل، گروه خانواده‌های قربانی جنگ داخلی کنگو و دهها شخصیت و نماینده پارلمان از فرانسه و همچنین شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایرانی.

فرانسه، فرانس لیبرته، جنبش دوستی بین خلق‌ها و مبارزه علیه تبعیض نژادی، سرزمین انسان‌ها (فرانسه)، جوانان ترک فرانسه، جوانان حزب سیزها، جنبش صلح، مبارزه علیه نژادپرستی، انجمن روشنفکران فراتر، سندیکای آموزگاران، دبیران و اساتید فرانسه، جوانان سندیکای ث.ژت، سندیکای متحده و حزب سیزها، حزب کمونیست فرانسه، جنبش جوانان کمونیست فرانسه، لیگ کمونیست‌های انقلابی، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، کمیته ایرانی علیه اختناق و ترورریسم دولتی، کمیته دموکراسی برای ایران، گروه حمایت از مبارزه خلق ایران، جنبش مقاومت ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران

و برخورداری آزادانه زندانیان از وکیل مدافع، قطع فشار و شکنجه، شلاق و سنگسار؛ احترام به حق دفاع و حضور ناظران بین‌المللی در محاکمات و دسترسی آن‌ها به پرونده متهمین و حضور در مراحل محاکمه؛ اعلام انزجار از چگونگی پرونده اتهام به جاسوسی عده‌ای از ایرانیان؛

در پی نشست روز ۱۲ سپتامبر هیات نمایندگی سیزهای فرانسه و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، حزب سیزهای فرانسه از قطع فشار و حضور ناظران بین‌المللی در محاکمات و دسترسی آن‌ها به پرونده متهمین و حضور در مراحل محاکمه؛ اعلام انزجار از چگونگی نجات جان دانشجویان ایران دعوت کرد.

دهها حزب، سازمان و شخصیت‌های ایرانی و فرانسوی و همچنین از دیگر کشورها به این فراخوان پاسخ مثبت دادند و با برپایی یک گردهمایی اعتراضی در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه‌ای را به تصویب رساندند که در آن بر موارد زیر تاکید شده است: آزادی فوری زندانیان سیاسی

تظاهرات سراسری

ایرانیان در برلین

گروه کثیری از ایرانیان دموکرات و آزادیخواه در شهر برلین آلمان، در روز شنبه ۱۹ اکتبر با برگزاری تظاهراتی در این شهر، خواهان قطع فشار به دانشجویان و پایان دادن به سیاست سرکوب جنبش دانشجویی شدند و از احزاب آلمانی خواستند که به فشار علیه دانشجویان ایرانی توسط حکومت اعتراض کنند. در این تظاهرات که به دعوت کمیته پشتیبانی از جنبش دموکراتیک مردم ایران برگزار شد، چند صد نفر شرکت کردند.

در قطعنامه پایانی تظاهرات تاکید شده است: نجات جان مبارزان در خطر اعدام، اعتراض به سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و دموکراتیک مردم ایران، اعتراض به نقض روزانه حقوق بشر در جمهوری اسلامی آزادی همه زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند، آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات، رفع هرگونه فشار بر مطبوعات و رسانه‌های همگانی و همچنین انتشار مجدد نشریات توقیف شده، تظاهراتکنندگان همچنین از فراکسیون‌های حزبی در مجلس آلمان خواسته‌اند:

۱. در یک سوال پارلمانی، مساله احکام اعدام دانشجویان و کلیه دستگیرشدگان را مطرح کنند،
۲. با اعتراض کتبی به «قتل‌های زنجیره‌ای» روشنفکران، روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی، رژیم را از ادامه این جنایات برحذر دارند،
۳. پشتیبانی و امکانات لازم را برای اعزام یک هیات حقوق‌دان بین‌المللی برای رسیدگی به موارد فوق فراهم آورند.

«کار» در جشن سالانه «اومانیته»

و فرهادی و مسئول روابط بین‌المللی در فرانسه با هیات‌های نمایندگی احزاب کمونیست فرانسه، عراق، حزب سیزهای فرانسه و چند حزب و سازمان دیگر و همچنین با شخصیت‌های سیاسی و رهبران احزاب و سازمان‌های ایرانی به بحث و تبادل نظر پرداختند. در دیدار با نمایندگان حزب سیزهای فرانسه، گفتگوهایی به ویژه پیرامون حوادث ناگوار تیر ماه در دانشگاه‌های ایران که منجر به کشته و زخمی شدن و دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان گردید، صورت گرفت و قرار شد برای نجات دانشجویان، اقدامات مشترکی صورت گیرد. بر این اساس حزب سیزهای فرانسه پیشقدم شد و از کلیه سازمان‌ها و احزاب و شخصیت‌های ایرانی و فرانسوی دعوت کرد جهت حمایت از دانشجویان ایرانی و رعایت حقوق بشر در ایران، یک اقدام دسته‌جمعی صورت گیرد.

جشن روزنامه اومانیته امسال زیر درخشش بی‌سابقه آفتاب به مدت سه روز از ۱۰ تا ۱۲ سپتامبر در یکی از شهرهای اطراف پاریس با شرکت ۵۰۰ هزار نفر برپا شد. به دعوت روزنامه «اومانیته»، روزنامه نزدیک به حزب کمونیست فرانسه، نشریه «کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در این گردهمایی شرکت کرد و با برپایی غرفه‌ای به همایش سیاسی - فرهنگی پرداخت.

اعضا و دوستداران سازمان با فعالیتی قابل تحسین، به توضیح مسایل سیاسی و پاسخ به سوالات بازدیدکنندگان پیرامون وضعیت کنونی ایران و شرایط سخت زنان و به خصوص جوانان و دانشجویان پرداختند. غرفه «کار» با صنایع دستی ایران به شکل زیبایی تزئین شده بود. هیات نمایندگی سازمان متشکل از رقمامینی

آموزش سندیکایی برای فعالین جنبش کارگری در ایران

یکی از وکلای بین‌المللی ث.ت که در مقر سازمان بین‌المللی کار مستقر است، نتایج تلاش‌های متعدد این کنفرانس‌ها و نیز چشم‌انداز آتی آن در کنفرانس‌های بین‌المللی در حمایت از جنبش مطالباتی کارگران ایران را که به درخواست کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران به عمل آورده است، تشریح کرد و بر ادامه حمایت بین‌المللی ث.ت از جنبش سندیکایی مستقل و دموکراتیک ایران تاکید ورزید. در این سمینار مسائل محوری جنبش سندیکایی جهانی که متن اصلی آن بوسیله ث.ت تنظیم شده بود، در اختیار رفقای شرکت‌کننده قرار گرفت که عبارت بود از:

۱) بازسازی نهادهای بین‌المللی و جایگاه جنبش سندیکایی

«کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران»
شنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۹

با کمک‌های مالی خود، گفتار را یاری دهید!

مردم از نمایندگان اصلاح طلب ایستادگی قاطعانه در برابر طرح نابودی مطبوعات را می‌خواهند

«کنفدراسیون آذربایجانی‌ها»
و هشدار ما!

در روزهای ۲۱ و ۲۲ ماه اوت گذشته اجلاس در شهر بن آلمان با شرکت نمایندگان تعدادی از تشکلهای آذربایجانی در کشورهای مختلف اروپا برگزار گردید. مشابه این نشست، البته دو سال پیش در آمریکا و با حمایت برخی از محافل و شخصیت‌های سیاسی آمریکایی ترتیب یافته بود.

در اجلاس بن، علاوه بر آذربایجانی‌های ایرانی کسانی نیز از جمهوری آذربایجان و ترکیه که در تشکلهای آذربایجانی در کشورهای اروپایی عضو هستند، بعنوان نماینده شرکت داشتند. هیاتی نیز از سفارت جمهوری آذربایجان در آلمان بعنوان مهمان در این نشست حاضر بود.

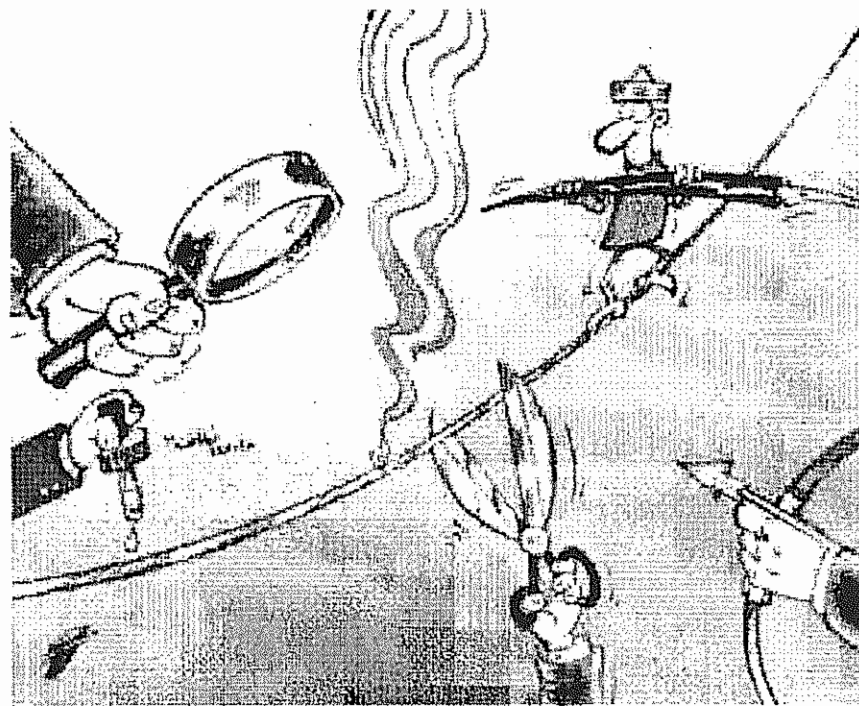
در محل اجلاس، پرچم جمهوری آذربایجان نصب شده بود و اجلاس کار خود را در پی اجرای اسرود آذربایجان با انتخاب هیئت رئیسه آغاز کرد.

ترکیب دعوت شدگان به این نشست به گونه‌ای تدارک شده بود که اکثریت آن از مدافعان جدایی آذربایجان از ایران و تشکیل دولت آذربایجان واحد از همه آذری‌زبان‌ها بود. این امر هم در ترکیب هیئت رئیسه نشست، هم در تعداد و نحوه سخنرانی‌ها و بالاخره هم در مصوبات و انتخاب هیئت رئیسه پنج‌نفره برای اداره امور «کنفدراسیون» بازتاب داشت.

اساسنامه مصوب این اجلاس، اصلی‌ترین کار مضمونی آن بود که در آن بر دفاع از منافع ملی و حقوق تمامی اهالی آذربایجان (هم در ایران و هم جمهوری آذربایجان) تأکید شده است و مبارزه در راه وحدت همه آذربایجانی‌ها، محور فعالیت «کنفدراسیون» تعیین گردیده است.

در جریان نشست دو روزه این اجلاس و در پی تثبیت نظر طرفداران استقلال آذربایجان ایران و ایجاد دولت واحد آذربایجان، پارهای از سخنرانان، نیروی چپ در آذربایجان ایران و در جمهوری آذربایجان را از عوامل عمده عدم تحقق وحدت دو آذربایجان طی دهه‌های گذشته دانستند و از آن به تندى سخن گفتند.

با آنکه «کنفدراسیون»هایی از این دست به هیچ وجه با واقعیت خواست‌ها و مطالبات ملی و دموکراتیک اهالی آذربایجان ایران همخوانی ندارد و سرخ آنها را اساساً باید در منافع سیاسی محافظی خارج از آذربایجان و ایران پی گرفت که توسط گروهی بعضاً معترض و بعضاً پاکدل اما ناآگاه اداره می‌شود، ولی این واقعیت به هیچ رو شیاری نسبت به این نوع ماجراجویی‌های سیاسی را از سوی آذربایجانی‌های مترقی، دموکرات و مردم‌دوست نفی نمی‌کند. بدون تردید دفاع از حقوق ملی و فرهنگی آذربایجانی‌ها در ایران، همانند دفاع از حقوق دیگر اقلیت‌های ملی در کشورمان یک وظیفه تأخیرناپذیر هر ایرانی دموکرات و هر ایرانی آزادیخواه متعلق به این اقلیت‌های ملی در کشور است. مبارزه علیه هرگونه تبعیض و ستم ملی، زبانی و فرهنگی چه از سوی حکومتگران چه از طرف آنهايي که زیر پرچم «ایران پرستی»، برتری یک قوم در ایران بر دیگر اقوام را تبلیغ و اجرا می‌کنند نیز مسلماً وظیفه درنگ‌ناپذیر هر انسان دموکرات است. اما در همان حیطه و طیفه تأخیرناپذیر و آن دفاع، تنها زمانی کامل می‌شود که با مخالفت علیه شعارها و حرکت‌های مشوق و مروج تجزیه‌طلبی و جدایی‌خواهی از سوی هر جریان که می‌خواهد باشد و با هر تعلق قومی چه در شکل «آذربایجان پرستی» و چه در شکل پرستش هر قوم دیگر که صورت پذیرد، همراه گردد.



روزنامه‌نگاران و مردم ایران است. هنوز دیر نشده است. در برابر طرح نابودی مطبوعات کاران چه رهنمودی داده‌اند؟

مردم چه می‌خواهند؟
مردم و روزنامه‌نگاران از اصلاح‌طلبان چه می‌خواهند؟ مردم آزادی می‌خواهند و ایستادگی در برابر متجاوزان به آزادی.

۳۴۹ نفر از روزنامه‌نگاران پنج ماه پیش در نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور نوشتند: «اگر همان روزی که خبرنگار یکی از روزنامه‌ها از سوی یک مقام بلندپایه تهدید شد، اگر همان روز که یک روزنامه پرتیراژ مورد اقبال مردم به سادگی و با شیوه‌ای غیرمعتاد تعطیل نمی‌شد، اگر همان روزی که در صد بودند با یک تلفن ۵ نفری را تعطیل کنند، اگر همان روزی که روزنامه‌نگاران را بدون توجیه موق حقوقی به زندان می‌بردند، حریم روزنامه‌نگاری فروگذاشته نمی‌شد، امروز به این موقعیت نمی‌رسیدیم.»

این نرسد و خواست یک پارچگی می‌خواهند

گذرانند. پیاپی مذکور را مجمع نمایندگان خط امام مجلس شورای اسلامی، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، مجمع نیروهای خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب اسلامی کار، حزب همبستگی ایران اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران و انجمن اسلامی مهندسان ایران امضا کرده‌اند. در حالی که انتشار این بیانیه، نشانگر قاطعیت بخشی از نیروهای دوم خرداد در مخالفت با طرحی است که نابودی مطبوعات اصلاح‌طلب را هدف قرار گرفته است، نبودن نام بزرگ‌ترین تشکلهای حکومتی طرفدار دولت یعنی مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در پای این اعلامیه پرسش‌های زیادی را ایجاد کرده است. بیشترین نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس متعلق به این سه تشکل هستند.

خامنه‌ای و عده‌های ناطق‌نوری دلخوش کردند که سنگر بدون مقاومت به دشمنان قسم خورده آزادی تسلیم شد. تصویب این طرح چنان در آرامش و بدون مخالفت موثر صورت گرفت، که اعتراض روزنامه‌های اصلاح‌طلب را برانگیخت. سه ماه گذشته را در حالی که نمایندگان جناح محافظه‌کار سرگرم تدوین جزئیات و محدودیت فعالیت مطبوعات بودند، اصلاح‌طلبان حکومتی به دانشجویان هشدار می‌دادند که از «اغتشاش» بپرهیزند و روزها را با این امید سپری می‌کردند که ناطق‌نوری به وعده‌هایش عمل خواهد کرد، روزنامه‌نگاران را برای مشاوره دعوت خواهد کرد، نظر کارشناسان را جویا خواهد شد و خواسته‌های اصلاح‌طلبان را به هنگام تهیه جزئیات طرح رعایت خواهد کرد. ناطق‌نوری خلف وعده کرد، همان طور که از او انتظار می‌رفت.

سردرگمی

امروز نیز در حالی که مجلس پنجم در آستانه یکی از سرنویشت‌سازترین تصمیم‌های خود قرار دارد، جناح اصلاح‌طلب مجلس هنوز نتوانسته است سیاست واحدی را در برخورد با طرح اصلاحی قانون مطبوعات اتخاذ کند. به نوشته روزنامه خرداد، دسته‌ای از نمایندگان طرفدار دولت می‌خواهند با دادن پیشنهادهای بیشتر و درخواست حذف مواد محدودکننده قانون، آن را قابل تحمل تر سازند. دسته دیگر، دست به دامن رئیس‌مجلس و رهبر شده‌اند. دسته سوم به فکر ترک جلسه مجلس و ایستراکسیون هستند. اما دیگر نمایندگان اصلاح‌طلب با آن‌ها مخالفت می‌کنند. مسکوت گذاشتن طرح، راه حل دسته چهارم است.

روز شنبه گذشته دوازده تشکل طرفدار دوم خرداد با انتشار اعلامیه مشترکی، از نمایندگان مجلس خواستند که به طرح اصلاح قانون مطبوعات رای ندهند و آن را مسکوت بگذارند. دست به دامن نمایندگان حکومتی با کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، در مجموع برخورد منفعلانه‌ای بوده است. سه ماه پیش، هنگامی که جلسه رای‌گیری برای رد یا پذیرش کلیات طرح در مجلس تشکیل شد، بیش از هشتاد نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی و نمایندگان به اصطلاح مستقل غایب بودند و این طرح در غیاب آنان به تصویب رسید. اصلاح‌طلبانی هم که در مجلس بودند، چنان به توصیه‌های

خلف وعده

برخورد نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی با کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، در مجموع برخورد منفعلانه‌ای بوده است. سه ماه پیش، هنگامی که جلسه رای‌گیری برای رد یا پذیرش کلیات طرح در مجلس تشکیل شد، بیش از هشتاد نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی و نمایندگان به اصطلاح مستقل غایب بودند و این طرح در غیاب آنان به تصویب رسید. اصلاح‌طلبانی هم که در مجلس بودند، چنان به توصیه‌های

حمایت خامنه‌ای از خاتمی، حمایت...

بقیه از صفحه اول
عنان گسیخته افراطی‌ترین جریان محافظه‌کاران، بحران را به سمتی برد که امکان بروز هرج و مرج در ابعاد سراسری در آن هویدا شده بود و می‌توانست به نقطه‌ای برسد که نه از تاک نشانی ماند، نه از تاک‌نشان. خزعلی، خامنی را از فرار از کشور می‌ترساند، نقدی اعلام کرده بود که «حکم خدا» را شخصاً به اجرا خواهد گذاشت. خامنه‌ای این خطر را دریافت (پیش از او نیز شامه تیز رفسنجانی خطر را حس کرده بود) و بحران هولناکی را که فرا می‌رسید، به چشم دید. او تشخیص داد مدافعان ارتجاع و ولایت قدرت آن را ندارند که «پروژه بنی‌صدری کردن» اوضاع را تا به آخر پیش ببرند و خود و کل نظام را با بحران غیرقابل پیش‌بینی روبرو می‌کنند. خامنه‌ای اوقیانوس عظیم ناراضی‌های مردم را تا کنون بارها به چشم دیده است. او نه دوم خرداد ۷۶ را فراموش کرده است و نه از کابوس ۱۸ تیر ۷۸ رهایی یافته است. او می‌داند که در جامعه چه نفرت عظیمی نسبت به زور و قلداری انباشته شده است. او نیروی آماده مقاومت و انفجار حتی در بخشی از خود حکومت را هم می‌بیند و می‌داند که مبارزطلبی‌های کسانی چون خزعلی و نقدی بازی با آتش است و این مرتجعین توان رو در روی آشکار با مردم را ندارند و به همین دلیل مجبور شد با روشن‌ترین کلمات، هواداران افراطی خود را از زمین بر امواج توفان منع کند.

برکناری یا استعفای خاتمی زیر فشار افراطیون راست، بیش از هر چیز به بی‌ثباتی نظام دامن می‌زند. خامنه‌ای تنها در شرایطی حاضر می‌بود ریسک این بی‌ثباتی را به جان بخرد که مطمئن

ایران ۶ میلیون معلول دارد

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی گفت ۶ میلیون معلول ذهنی و جسمی در کشور وجود دارد. از این تعداد دو میلیون نفر دارای معلولیت بارز هستند و به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند. به گفته این مقام براساس استانداردهای جهانی ۱۰ درصد از جمعیت هر کشور را افراد معلول تشکیل می‌دهند.

مردم ایران رابطه علنی با آمریکا می‌خواهند

مربوط به امور داخلی عربستان سعودی است. روزنامه‌های جمهوری اسلامی طرح موضع انفجار الخبیر را «بازگشایی پرونده کهنه» و رفتار آمریکا را «سیاست چماق و هریج» تعبیر کرده‌اند و نوشته‌اند آمریکا با تهدید و تطمیع به دنبال برقراری رابطه است. اما معلوم نیست چرا جمهوری اسلامی از برقراری رابطه‌ای که بر اساس موازین و عرف بین‌المللی باشد، گریزان است. هیچ‌یک از جناح‌ها به تنهایی مخالف برقراری رابطه با آمریکا نیست به شرط آن که ابتکار عمل را خود داشته باشد. ماجرای «لاری گیت» را مردم فراموش نکرده‌اند. ایران و آمریکا هر دو در برقراری مناسبات دیپلماتیک و اقتصادی ذینفع هستند. آمریکا می‌داند که تهدید و اقدام نظامی علیه ایران نه تنها کارساز نیست، بلکه به جز تشدید نفرت مردم ایران و غیبت طولانی‌تر آمریکا از صحنه سیاسی و اقتصادی ایران و کشورهای آسیای میانه حاصلی نخواهد داشت و امکانات رقبای اروپایی بیشتر خواهد شد. جمهوری اسلامی نیز می‌داند علیرغم هیاهویی که

باشد قادر به مهار بحران ناشی از چنین تلاطمی خواهد بود، در رهبر حکومت اسلامی چنین اطمینانی مطلقاً وجود ندارد. با وضعیت ملت‌هپ کنونی در جامعه، با نارضایتی گسترده در میان مردم، با در نظر داشتن ابعاد جنبش توده‌ای که در تیرماه ریسکی، خامنه‌ای قماری بسیار خطرناک است که حاضر به وارد شدن بدان نیست.

با فروکش کردن «طوفان» اکنون ابزار قانونی برای از نفس انداختن جنبش اصلاح‌طلبی بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفته است و مجلس آماده می‌شود تا ضربه هولناک دیگری بر پیکر مطبوعات وارد آورد. در شرایطی که واکنش مردم در دوران‌های «طوفان» می‌تواند بسیار هراس‌انگیز و هولناک باشد، استفاده از ابزار قانونی برای دشمنان آزادی هر چند خسته‌کننده و کند، اما مطمئن‌تر به نظر می‌آید!

اینکه اصلاح‌طلبان حکومت اکنون می‌کوشند از سخنان اخیر خامنه‌ای در جهت دفع حملات راستگرایان بهره‌گیرند، به خود منتهی نیست. سیاستی قابل انتقاد است که در مضمون، به جاری شدن اراده محافظه‌کاران تن دهد و تنها دلخوشی خود را در تعارفات رد و بدل شده بین رهبر و برگزیده دوم خرداد بجوید. سیاستی قابل انتقاد است که فراموش کند خامنه‌ای، همان خامنه‌ای ۲۳ تیر است. همان است که در مشهد، حکم ارتداد نویسنده نشاط را صادر کرد و زمینه‌ساز تعطیل نشاط شد. همان است که در اوج اختلاف بر سر نظارت استصوابی، صریحاً جانب شورای نگهبان را گرفت. سیاستی قابل انتقاد است که نقش ارتجاعی ولایت فقیه را در ساختار سیاسی ایران توجیه کند و بدتر از آن به دفاع از آن برخیزد و آن را حامی و پشتیبان اصلاحات و دموکراسی وانمود سازد.

سخنان روبین و اتهامات عنوان شده از سوی او را، هم سخنگوی وزارت امور خارجه و هم خزانی وزیر امور خارجه رد کردند و گفتند جمهوری اسلامی با انفجار الخبیر ارتباط ندارد و این حادثه

پاسخ کهنه به خواست‌های برحق

ادامه از صفحه اول
رو در روی مردم قرار گرفتند و آنان تاوان سنگینی پرداختند و داغدار شدند.
موسوی لاری وزیر کشور در پاسخ به پرسش‌های نماینده سنجید گفت: تصور بنده این بود و هست که موضوعات مطرح شده در این کمیسیون قاعدتا ابهاماتی را که دوستان داشتند بر طرف کرده و نیازی به طرح آن در صحن علنی مجلس نباشد. از زمانی که استاندار جدید کردستان به محل ماموریت خود اعزام شد اختلاف نظرهایی بین

وی و دوستانی که در گذشته حضور بیشتری در مدیریت این استان داشتند وجود داشته که بالطبع این اختلاف نظرها نمی‌تواند مانع از خدمت به مردم کرد زبان این منطقه شود. افرادی که در جریان تظاهرات دستگیر شدند، از عوامل حزب منحل دموکرات و کومله بودند.
پاسخ موسوی لاری وزیر کشور دولت آقای خاتمی متأسفانه بار دیگر نشان داد که مسئولان رژیم هم‌چنان مطالبات به حق مردم کردستان را نادیده می‌گیرند و با اتکا به خشونت و

در نامه‌ای به رییس جمهور اتحادیه اسلامی دانش‌آموختگان به ادامه بازداشت طبرزدی اعتراض کرد

اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان پنجشنبه گذشته با ارسال نامه‌ای به رییس جمهوری، از نحوه برخورد وزارت اطلاعات و دادگاه انقلاب با برخی از دست‌اندرکاران نشریه «هویت خویش»، از جمله سردبیر این نشریه و دبیرکل اتحادیه مذکور، حشمت الله طبرزدی، اعتراض کرد. در این نامه آمده است: طبرزدی به عنوان مطلع به دادگاه انقلاب احضار گردیده و هنوز پس از مدت ۱۰۳ روز همچنان در بازداشت بسر می‌برد. در قسمت دیگری از این نامه خطاب به خاتمی آمده است: در سخنان شما مکرر بر این موضوع صحنه نهاده شده که آزادی یعنی آزادی مخالف. چگونه است در

برخورد با این اتحادیه و دبیرکل آن حشمت‌الله طبرزدی، به گونه‌ای برخورد می‌گردد که گویی حق اظهار نظر ندارند. آیا در اصل ۲۲ قانون اساسی تصریح ندارد که: هیچکس را نمی‌تواند به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد؟ این اتحادیه پرسیده است: «آیا امروز طبرزدی زندانی عقیده‌اش نیست؟ چرا با یک جریان سیاسی به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی اصل بر عدم آزادی مطبوعات است و تنها آنچه آنها اراده کنند باید مطبوعات بنگارند. آیا اصل سی و نهم بر حفظ حرمت افراد بازداشت و زندانی شده تأکید ندارد، چگونه در مدت بازداشت اکثر رهبران و فعالان این اتحادیه، شماری از

کارشناسان تخمین می‌زنند ۸۰۰ هزار کودک در ایران کار می‌کنند



موجود تنها در حد شعار حمایت از کودکان مانده است. مطابق قانون کار جمهوری اسلامی، کار کردن کودکان زیر ۱۴ سال جرم محسوب شده و باید مراجع ذیصلاح از این عمل جلوگیری کنند. اما خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ، مزارع کشاورزی و کارگاه‌های کوچک، پر است از کودکان زیر چهارده ساله‌ای که به دنبال لقمه‌ای نان می‌دوند و همه مقامات مسئول نیز چشم بر این «جرم» بسته‌اند. شرایط کار این کودکان بسیار وحشتناک است و آنان که قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، مورد انواع بهره‌کشی‌های غیرانسانی قرار دارند. از آنان سوءاستفاده جنسی می‌شود و همه جا با دستمزدهای پایین، مجبور به انجام پست‌ترین کارها هستند. مطابق آمارهای سال ۷۵ نزدیک به ۲۶۵ هزار کودک بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران به کار مشغول بوده‌اند که از این تعداد ۱۷۰ هزار نفر را پسران و نزدیک به ۹۵ هزار نفر را دختران خریدار تشکیل می‌دهند. کارشناسان این ارقام را واقعی نمی‌دانند و رقم ۸۰۰ هزار کودک شاغل را واقعی‌تر می‌دانند. به گفته این کارشناسان، علت تفاوت آمارهای رسمی یا آمارهای واقعی، از یک سو آن است که صدها هزار کودک در ایلات و عشایر به کار مشغول هستند، در آمارهای رسمی محاسبه نمی‌شوند و از سوی دیگر این آمار، کودکان کارگری را که به طور غیرقانونی به کار اشتغال دارند نیز دربر نمی‌گیرد. بخش عمده‌ای از کودکان کارگر در کارگاه‌های کوچک و بطور غیرقانونی به کار مشغول هستند. مردی به نام رضوی، که اکنون دیگر سال‌هاست دوران کودکی را پشت سر گذاشته است و از زندگی نسبتاً خوبی هم برخوردار است، احساس خود از کار در

«در اتوبان پارک وی پشت چراغ قرمز که ایستاده‌ام، با جعبه‌ای پر از آدامس و شکلات به ماشین نزدیک می‌شود و مصرانه می‌خواهد که از او خرید کنم. پول اضافی را در حالی که چراغ سبز شده با آمدن به آن سمت چهارراه می‌پردازد. در کناری می‌ایستم. به داخل ماشین می‌آید، با کتانی‌هایی که جلوی آن پاره شده و بلوز و شلوار کهنه و کثیف و چهره‌ای مظلوم و مسحور. می‌گوید: ده سالم است، هشت نفرم. پنج سال است که از بروجرد به تهران اومدم. پدرم کارگر ساختمان است اما چون معتاد است کسی به او کار نمی‌دهد. من و برادر بزرگترم که چهارده ساله است کار می‌کنیم و به مادرم پول می‌دهیم... تا دوم دستان خواندم بعد هم نتوانستم ادامه بدهم، چون بابام گفت: برو سرکار. الان بد نیست. اگر همه روز رو کار کنیم از ۱۰۰۰ تومان بیشتر درمی‌آورم، اگر کمی پول جمع کنم، شب‌ها حتما درس می‌خوانم.»

مقامات وزارت کار و امور اجتماعی اعتراف می‌کنند کار کودکان نسبت به گذشته بیشتر شده است و دلیل آن بالا رفتن فقر در جامعه است. به گفته این مقامات، هزینه تحصیل بالا رفته و فقر در خانواده‌ها بیشتر شده است و بسیاری از مردم مجبور می‌شوند برای کمک به خرج خانواده و فرار از تهیه مخارج تحصیل، فرزندان خود را به جای فرستادن به مدرسه، روانه بازار ختن کار کنند. کودکان بیشتر در بخش‌های کشاورزی و واحدهای صنعتی کوچک مشغول به کار هستند.

برای مبارزه با این معضل اجتماعی، هیچ اقدام جدی صورت نگرفته است. حتی مقامات مسئول نیز اعتراف می‌کنند تمام قوانین و مصوبات

وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم هیچ وقت استراحت نداشتم، تفریح نداشتم، فکرم آزاد نبود. مزه بچگی را نفهمیدم. باور کنید بعضی وقت‌ها در تنهایی گریه می‌کنم. مسئولیت و کار یک عقده بزرگ برای من شد. وقتی به بچه‌ها نگاه می‌کنم حسرت می‌خورم.»

دوران کودکی را برای یک خبرنگار روزنامه چنین بیان کرده است: «از ۸ سالگی پدرم را از دست دادم. برای اداره منزل از همان موقع مجبور شدم کار کنم. میوه‌فروشی، لوبوفروشی، زمان مدرسه هم بعد از ظهرها در نانوايي کار می‌کردم. تا کم‌کم بزرگ شدم. الان فرش‌فروش هستم و زندگی خوبی دارم ولی

روزنامه‌نگاران کاندیدای جداگانه می‌دهند

به نوشته روزنامه صبح امروز، جمعی از نویسندگان فعال روزنامه‌های اصلاح‌طلب با برپایی جلسات منظم، در صدد تهیه لیست نمایندگان منتخب خود برای سراسر کشور به منظور شرکت در انتخابات مجلس ششم هستند. این عده قرار است به زودی تحت یک نام خاص و با اعلام برنامه‌های خود، فعالیت علنی خود را آغاز کنند. استدلال این روزنامه‌نگاران این است که سرنوشت انتخابات مجلس ششم به وسیله مطبوعات تعیین می‌شود و نه احزاب سیاسی، به همین علت مطبوعاتی‌ها باید کاندیداهای خود را برای مجلس مستقلاً اعلام نمایند.

وزارت خارجه: راه نمی‌دهیم!

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی برای سفر یک مقام حقوق بشر به تهران را تکذیب کرد. حمیدرضا آصفی گفت: تاکنون برای سفر نماینده حقوق بشر به ایران برنامه‌ای تنظیم نشده است. سخنگوی وزارت امور خارجه بار دیگر ادعای جمهوری اسلامی را تأکید کرد و مدعی شد سفر نمایندگان سازمان‌های حقوق بشر به ایران «دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی» به شمار می‌آید. موضع‌گیری وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی پس از آن صورت گرفت که یک مقام حقوق بشر در آلمان اعلام کرد براساس یک سفر برنامه‌ریزی شده قرار است به تهران سفر کند.

در ملاقات کروی و مهدوی کنی چه گذشت؟

هفته‌نامه آبان نوشت: پس از سخنرانی مهدی کروی دبیر مجمع روحانیون مبارز در سالگرد آیت‌الله طالقانی، محمدرضا مهدوی‌کنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز با وی دیدار کرده و از مواضع «اصولی و انقلابی» وی در دفاع از رهبری تشکر کرده است. در این دیدار مهدی کروی گفته است که در انتخابات مختلف، ما مظلوم واقع شده‌ایم، هرچند که زیر بار ظلم نرفته‌ایم. محمدرضا مهدوی‌کنی نیز گفته است: شما نباید از شورای نگهبان انتقاد کنید و احمد جنتی را زیر سؤال ببرید. اگر می‌خواهید اعتراض کنید باید خدمت رهبر برسید و دلایل خود را بگویید. حال، آیا می‌پذیرند یا خیر، مفهوم ولایت‌فقیه، همین است. در این دیدار همچنین دبیرکل جامعه روحانیت مبارز به دبیر مجمع روحانیون مبارز گفته است: بیاید دست «برادری» بدهیم، نه وحدت و ائتلاف، که شاید ممکن نباشد.

مسجد جامعی ماندنی شد

احمد مسجدجامعی، معاون وزیر ارشاد در امور فرهنگی در مقام خود ماندنی شد. مهاجرانی مدت‌ها در تلاش بود تا این معاون فرهنگی خود را از کار برکنار کند و حتی پیشنهاد تصدی این مقام را به قاسم‌زاده، سرپرست روابط بین‌الملل صدا و سیما جمهوری اسلامی داده و مذاکرات در این زمینه قطعی شده بود. به نوشته روزنامه‌ها، مسجدجامعی گفته بود در صورت برکناری از معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، از این وزارت‌خانه استعفا خواهد داد. این اختلاف سرانجام با پادرمیانی «مقامات عالی‌رتبه» دولت به نفع مسجدجامعی حل شده و او در مقام خود ماندگار شد. روزنامه‌هایی که این خبر را منتشر کرده‌اند، به دلایل اختلافات مهاجرانی و مسجدجامعی اشاره نکرده‌اند.

سواحل مازندران در انحصار ارگان‌ها است

رییس سازمان ایرانگردی و جهانگردی مازندران گفت: ۹۰ درصد نوار ساحلی مازندران در انحصار ارگان‌ها و نهادهای دولتی می‌باشد. به گفته وی انبوه مردمی که برای استفاده از دریا به مازندران می‌آیند، به علت اختصاصی بودن سواحل نمی‌توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند. وی افزود: علیرغم مسئولیت ساخت و ساز در ساحل دریا، وزارت‌خانه‌های دولتی پلاژهای خود را در کنار دریا توسعه می‌دهند.

دادگاه ویژه روحانیت مدیر مسئول هفته‌نامه آبان را احضار کرد

اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. مطابق ماده ۴ قانون فعلی مطبوعات، شورای عالی امنیت ملی و دادگاه ویژه روحانیت نمی‌توانند برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای، در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآیند یا به کنترل نشریات مبادرت کنند.

روابط عمومی هفته‌نامه آبان در اطلاعیه خود بار دیگر تأکید کرده است: دادگاه ویژه روحانیت و جاهت قانونی ندارد، به مصوبه‌ای غیرقانونی استناد کرده است و مدیرمسئولی را که روحانی نیست، به دادگاهی که ویژه روحانیون است، فرا خوانده است. اما علیرغم این تخلفات آشکار، ظاهراً هیچ مقام و مسئول نهادی در جمهوری اسلامی وجود ندارد که خودسری‌های این دادگاه را که در کنار دادگاه مطبوعات، به اعمال فشار علیه مطبوعات اصلاح‌طلب مشغول است، مهار کند.

به گزارش روابط عمومی هفته‌نامه آبان، محمدرضا آصفی مدیرمسئول این نشریه، برای بار دوم در طول چند هفته اخیر به دادگاه ویژه روحانیت فراخوانده شده است. این روابط عمومی، اتهام علییور را «ترویج سیاسی آیت‌الله منتظری و تبلیغ علیه نظام» عنوان کرد.
به گزارش روزنامه‌ها، دادگاه ویژه روحانیت استاد خود برای احضار مدیرمسئول غیرروحانی هفته‌نامه آبان از سوی این دادگاه را، مصوبه شورای عالی امنیت ملی می‌داند که بر پایه آن، دادگاه ویژه روحانیت می‌تواند با مطبوعاتی که به ترویج سیاسی آیت‌الله منتظری می‌پردازند، «برخورد» کند.
مدیران مطبوعات می‌گویند چنین مصوبه‌ای هرگز برای آن‌ها ارسال نشده است و مسئولان وزارت ارشاد نیز از وجود آن

خلخالی: نهضت آزادی‌ها خوب هستند، اما هویدا را اگر زنده بود بازهم اعدامش می‌کردم!

هستند نیز اراده دارم. خلخالی در مورد نهضت آزادی گفت: آدم‌های این حزب افراد خوبی هستند، آقای بازرگان مرد شریفی بود، آقای ابراهیم یزدی هم آدم خوبی است و سحابی‌ها هم که در دیانتشان شکی ندارم. در مجلس سوم برادر مرحوم بازرگان به رحمت خدا رفته بود من و چند نماینده دیگر به دستور اسام (ره) در مراسم ختم وی شرکت کردیم. وی در مورد قتل‌های زنجیره‌ای گفت: مرحوم فروهر را می‌شناختم قتل فجیعی بود. قاتلان هم دستگیر شده‌اند، باید فرصت داد تا همه چیز روشن شود. وی در برابر این پرسش که: خیلی‌ها می‌گویند از اعدام هویدا پشیمان شده‌اید، این‌گونه است؟ گفت: فقط می‌توانم بگویم اگر در این جا همراه شما بود باز هم اعدامش می‌کردم!

یک شبکه تلویزیونی اتریش به هنگام سفر رییس‌جمهوری این کشور به ایران با چند تن از مقامات ایرانی گفت‌وگوهایی را انجام داد.
یکی از این افراد صادق خلخالی بود که اکنون مدت‌هاست به علت بیماری و ضعف جسمانی و شاید هم به دلیل سابقه‌اش در اعدام صدها نفر، به حاشیه سیاست منتقل شده و در شهر قم زندگی آرامی را می‌گذراند.
خلخالی در این مصاحبه گفته است که من در چپ و راست حکومت دوستان زیادی دارم، برای من صداقت افراد مهم است، اما آنچه واقعیت دارد این است که ما به نیروهای چپ، مجمع روحانیون مبارز و نهضت آزادی بیشتر نزدیکی هستیم و از نیروهای راست به آقای مهدوی کنی که شخص صادق و خوبی

«کار» را از هر طریق که می‌توانید به دست دوستان و آشنایان خود در ایران برسانید!

بحران در جامعه روحانیت مبارز!

در یکی از جلسات این نهاد، دیگر در جلسات جامعه روحانیت شرکت نکرده و بعد از این هم شرکت نخواهم کرد».

با توجه به بروز اختلافات در میان این نهاد روحانیون محافظه کار، محافل طرفدار دولت، احتمال انشعاب در جامعه روحانیت مبارز را مطرح کرده‌اند. محمد سلامتی دبیرکل

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در گفتگویی با روزنامه آزاد پیرامون این موضوع گفت: «جامعه روحانیت مبارز با سومین بحران انشعاب روبرو است». به گفته وی: «جامعه روحانیت مبارز تاکنون ۲ بحران این چنینی را در زمینه انشعاب پشت سر گذاشته است. یکی در سال ۱۳۶۰ که عده‌ای از اعضای آن، مجمع روحانیون مبارز را

پس وجود آوردند و دیگری در آستانه انتخابات مجلس پنجم که بخصوص هاشمی رفسنجانی را به مسیری کشاندند که در آن انتخابات صف خود را جدا کرد و از حزب کارگزاران سازندگی حمایت کرد. در حال حاضر این مشکل مرحله دیگری از چنین بحرانی را تجربه می‌کند که سومین بحران انشعاب محسوب می‌شود».

میل به زندگی در دختران تهرانی کاهش یافته است

مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور زنان گفت به دلیل فقدان نگرش جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، افسردگی، احساس بی‌هنری و رخوت در دختران افزایش یافته است. وی ضمن اعلام این خبر افزود: این در حالی است که میل به حیات و زندگی نیز در دختران تهرانی کاهش یافته است. مدیرکل دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش اضافه کرد: میل به خودکشی در تهران، روزانه ۲۰ نفر است که این امر در هشت نفر به وقوع می‌پیوندد. بیشترین این افراد را دختران تشکیل می‌دهند. وی اعلام کرد: آهانت، خشونت، احساس سردرگمی در زندگی و نیز احساس اضافی و سر بار دیگران بودن، عمده‌ترین علل تمایل به خودکشی در دختران است که خود ناشی از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی موبیان بدون داشتن نگرش جنسیتی و نبودن فضای مناسب برای اوقات فراغت دختران جوان است.

سفر به فرانسه با یا بدون ضیافت شام؟!

برگزاری سی‌ودومین کنفرانس سالانه یونسکو در ماه میلادی جاری در پاریس و دعوت فدریکو مایور دبیر کل این سازمان از خاتمی برای سخنرانی در کنفرانس، مسئله سفر به تواریخ افتاده خاتمی از فرانسه را بار دیگر داغ کرده است.

موضوع سفر خاتمی به فرانسه یکسال و چند ماه پیش در جریان دیدار او بر وزیر خارجه فرانسه از تهران برای نخستین بار مطرح شد. او در آن سفر اعلام کرد که ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه از خاتمی برای یک دیدار رسمی در بالاترین سطح دعوت به عمل آورده است. در بهار امسال هنگامی که قرار بود خاتمی مدتی بعد از سفر نسبتاً موفقیت‌آمیز خود به ایتالیا به فرانسه سفر کند، وجود جام شراب بر سر میز ضیافت شام پذیرائی از رئیس جمهور ایران بهانه‌ی شد تا خاتمی سفر خود را به فرانسه به تعویق اندازد. ارزیابی‌ها در آن زمان نشان می‌داد که آن هنگام، زمان مناسبی برای خاتمی که قصد داشت با تبلیغات گسترده آن سفر را به سفری تاریخی تبدیل کند نبوده است چرا که چنین سفری در زمان حمله نیروهای کشورهای ناتو به یوگوسلاوی نمی‌توانست بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های عمومی جهان پیدا کند. حدت

بحران‌های داخل رژیم نیز از عواملی بود که تعویق آن سفر را ایجاب می‌کرد. با این همه اصل پذیرائی با شراب در ضیافت شام رئیس جمهور فرانسه را نمی‌توان از زاویه سیاسی نیز موضوع جنبی و بی‌اهمیتی تلقی کرد. این رسم جالفاخته دیپلماتیک کشور فرانسه است که برای عالی‌رتبه‌ترین مهمانان خود ضیافت شام ترتیب دهد و با بهترین شراب‌ها از آنان پذیرائی کند. اما در مقابل این رسم تدارک‌کنندگان آئین‌های رسمی از جانب رژیم ایران شده است که هم در مقام میزبانی و هم در موقعیت میهمانی سعی نمایند شرایط خود را به طرف مقابل تحمیل کنند.

دولت فرانسه برای حل مشکل پیشنهاد کرده است که سفر خاتمی در سطحی پایین‌تر که برپایی ضیافت شام را ایجاب نمی‌کند برگزار گردد تا هیچ یک از دو طرف مجبور به عدول از مواضع خود نشوند. هر چه باشد اصل دیدار و گفتگوهای فی‌مابین و کنفرانس‌های مطبوعاتی بعد از آن است که اهمیت دارد و تجربه نشان داده است که سخنرانی‌های پر از تعارفات سیاستمداران بر سر میز شام اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار قرار نمی‌دهد. بر اساس سخنانی که حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت خارجه

جمهوری اسلامی گذشته برآورد کرد، مشخص شد دولت جمهوری اسلامی برای سفر خاتمی به فرانسه اهمیت زیادی قائل است و این بار به بهای آن‌که دیدار در بالاترین سطح صورت نگیرد آماده نشان دادن رهنش بیشتری است تا این سفر انجام پذیرد و رژیم از طریق خاتمی به اعتبار معینی دست یابد.

اما خاتمی اکنون در مقایسه با اوایل سال، احتمالاً کمتر اعتبار آفرین خواهد بود. در این فاصله وقایع دانشگاه رخ داد و خاتمی نتوانست در پایان آن حوادث بر محبوبیت خود میان دانشجویان و مردم بیفزاید. در هفته‌های اخیر حکم اعدام ۴ نفر از دستگیرشدگان وقایع دانشگاه صادر شده است و معلوم نیست که سرنوشته ۱۳ یهودی دستگیر شده به اتهام جاسوسی چه خواهد شد. افکار عمومی جهانیان خاتمی را نیز در کنار دیگر سران رژیم، مسئول اتفاقات روی داده در کشور می‌دانند و وی در مقام دوم مملکت به عنوان رئیس جمهور، طبعاً باید پاسخگوی تمام اعمال نادرست رژیم باشد. ایرانیان مقیم فرانسه و دیگر کشورها نیز قطعاً خواهان پاسخ روشن و اعلا موضوع صریح وی در قبال رویدادهای اخیر کشور هستند.

مسئولان روزنامه نشاط، «عصر آزادگان» را منتشر کردند

عصر آزادگان

روزنامه عصر آزادگان در روز پنجشنبه ۱۵ مهر ماه نخستین شماره دوره جدید خود را به سردبیری ماشاءالله شمس‌الواعظین که اکنون دیگر بدلیل مقاومتش در برابر مستبدین، به مشهورترین روزنامه‌نگار ایرانی تبدیل شده است، انتشار داد. نخستین شماره عصر آزادگان که صبح‌ها انتشار می‌یابد، تیتیر اصلی خود را «بازگشت آزادگان به جامعه» انتخاب کرد که یادآور تلاشی

علیرغم این که به حکم دادگاه همیشه به محاق توقیف درآمده است، اما پیرونده آن همچنان مفتوح است و گردانندگان آن به جلسات طولانی بازجویی فرا خوانده می‌شوند. هفته گذشته قاضی مرتضوی، ماشاءالله شمس‌الواعظین را به دادگاه فرا خواند و او را به عنوان «مطلع» ۵ ساعت بازجویی کرد. اما در همان زمان که شمس‌الواعظین به سین جیم‌های قاضی مطبوعات پاسخ می‌داد، روزنامه تازه او به نام عصر آزادگان در آستانه انتشار بود!

روزنامه عصر آزادگان در روز پنجشنبه ۱۵ مهر ماه نخستین شماره دوره جدید خود را به سردبیری ماشاءالله شمس‌الواعظین که اکنون دیگر بدلیل مقاومتش در برابر مستبدین، به مشهورترین روزنامه‌نگار ایرانی تبدیل شده است، انتشار داد. نخستین شماره عصر آزادگان که صبح‌ها انتشار می‌یابد، تیتیر اصلی خود را «بازگشت آزادگان به جامعه» انتخاب کرد که یادآور تلاشی

است که با «جامعه» آغاز شد و همچنان ادامه دارد. عصر آزادگان را همان مسئولان روزنامه‌های جامعه، توس و نشاط منتشر می‌کنند و اگر

نهضت آزادی: حضور محافظه‌کاران برای توسعه سیاسی و تعادل پایدار ضروری است.

نهضت آزادی ایران در اعلامیه‌ای که بعد از سخنرانی خاتمی انتشار داد، از سخنان وی در جهت حمایت از رئیس جمهور استقبال کرد و «امواج جدید خشونت‌خواهی و تهاجم گسترده علیه مطبوعات مستقل» را «آماده‌سازی زمینه برای حمله وسیع‌تر به حقوق ملت در آستانه انتخابات مجلس ششم» دانست. نهضت آزادی نوشت: «فرایند تحولات سیاسی به گونه‌ای و در مسیری است که بی‌تردید ترکیب نمایندگان مجلس آینده را تغییر خواهد داد و این چیزی نیست که بتواند با تعظیم و بستن چند روزنامه جلوی آن را گرفت».

به نظر نهضت آزادی «دو جریان اصلی درون حاکمیت به مصادف با هم برخاسته‌اند. هر دو جریان درباره نتایج نهایی انتخابات دچار وهم و اغراق هستند. نیروهایی که خود را «جبهه دوم خرداد» می‌نامند، چنین تبلیغ می‌کنند که گویی محافظه‌کاران از مجلس ششم به کلی حذف خواهند شد. محافظه‌کاران نیز به راستی همین تصور و نگرانی را پیدا کرده‌اند، در حالی که هر دو جریان در اشتباه هستند.» نهضت آزادی ایران محافظه‌کاران را دارای «ریشه‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» خواند و «وجود و حضور آنان در صحنه سیاسی و ساختار قدرت» را «اجتناب‌ناپذیر» خواند. در این اعلامیه تصریح شده است: «جریان اصلاح طلب درون و یا بیرون حاکمیت باید این وضعیت را بپذیرد و این تصور ذهنی را که می‌تواند محافظه‌کاران را به کلی از صحنه بیرون براندازد

مقامات وزارت اطلاعات هفته گذشته اعلام کردند سازمان مجاهدین خلق «سه یا چهار تیم ترور جهت ایجاد درگیری به ایران گسیل داشته است»، روزنامه تهران تایمز که این خبر را منتشر کرده است، از قول منابع اطلاعاتی نوشت: «تروریست‌ها در تهران مستقر شده‌اند تا فرصتی بدست آورده و دانشجویان را برای وجود آمدن اغتشاش تحریک کنند». به گفته وی این تیم‌ها «طرح خاصی برای فراهم آوردن زمینه جهت دامن زدن به مسائل اجتماعی و ایجاد اغتشاش دارند». این منابع در عین حال تاکید کردند: «احتیاجی به نگرانی نیست. نیروهای نظامی اوضاع را دقیقاً تحت نظر دارند و تدابیر لازم برای به دام انداختن آنها

عدالت آموزشی!

در خبرها آمده بود که روز سه‌شنبه سی شهریور ماه، مسئولان آموزش و پرورش دبستانی را در منطقه پنج تهران افتتاح کردند که هزینه ساخت آن بالغ بر ۱۸۰ میلیون تومان بوده و شامل بخش‌های مختلفی مثل باغ‌وحش، استخر پرورش و نگهداری آبزیان و... می‌باشد. چنین مدرسه‌ای در سراسر ایران یک مدرسه منحصر به فرد است و هیچ کس، حتی خوش‌بین‌ترین مقامات آموزش و پرورش هم حاضر نیستند تایید کنند که در پنجاه یا صد سال آینده هم بتواند الگویی برای سایر مدارس شهر تهران باشد.

وقتی روزنامه‌ها این خبر عجیب را درج کردند، مردم از خود پرسیدند فرزندان چه کسانی قرار است در چنین مدرسه رویایی درس بخوانند؟ قابل ذکر است در همان منطقه‌ای که این مدرسه با چنین هزینه سنگینی افتتاح شده است، هنوز بسیاری از مدارس فاقد حداقل امکانات لازم آموزشی هستند، دو شیفته و سه شیفته کار می‌کنند، حتی تخته سیاه و کج برای نوشتن ندارند و...

شماره پیام‌گیر دفتر «کار»: ۹۳۲۲۱۳۶ - ۲۲۱ - ۰۰۴۹

مجلس چندین ماده محدودکننده دیگر بر قانون...

ادامه از صفحه اول

مقررات جدید، نه تنها عضویت، که حتی هواداری از «احزاب و گروه‌های غیرقانونی» نیز دلیلی کافی برای رد صلاحیت کاندیداهاست. از آنجا که منصوبین شورای نگهبان در هیأت‌های نظارت در درباره رد صلاحیت کاندیداهای تصمیم می‌گیرند، با مصوبه جدید دست آنها باز گذاشته شده است تا صلاحیت هر کس را که بخواهند جمهوری اسلامی رد کنند. «هواداری» یک مقوله حقوقی نیست و هیچ جا تعریف نشده است. هر عضو هیأت‌های نظارت می‌تواند به اتهام «هواداری» از اپوزیسیون، هر کس را که بخواهد از دور انتخابات کنار بگذارد.

آش زبانی شور شده است

مصوبات اکثریت مجلس برای اصلاح قانون مطبوعات چنان رسوا و غیرقابل دفاع است که حتی شورای نگهبان نیز نتوانسته است همه آن چه را که آنان تصویب کرده‌اند، مورد تایید «قانونی» قرار دهد.

شورای نگهبان مجبور شد یکی از مصوبات مجلس شورای اسلامی مبتنی بر دخالت این شورا در عزل و نصب مقامات محلی وزارت کشور را مخالف با قانون اساسی اعلام کرده و آن را رد کند! اکثریت محافظه کار مجلس در جریان اصلاح قانون انتخابات مصوبه‌ای را به تصویب رسانده بود که بر طبق آن وزارت کشور را مجبور می‌ساخت مطابق نظر

شورای نگهبان، مسئولان محلی وزارت کشور یعنی فرمانداران و بخشداران را که مسئول اجرایی انتخابات هستند، برکنار کند. این مصوبه اعتراضات زیادی را برانگیخت و از سوی طرفداران دولت به معنای دخالت شورای نگهبان در مسایل اجرایی انتخابات تفسیر شد.

وزارت کشور: اجرا نمی‌کنیم!

در مقابله با تدارکات جناح راست مجلس، معاون وزارت کشور دولت خاتمی اعلام کرده است که نظر به پایداری شدن حق مستغنیان شهریورماه و دیر تصویب شدن قانون اخیر در مجلس، این وزارتخانه قانون قبلی انتخابات را اجرا خواهد کرد.

هنوز معلوم نیست که آیا وزارت کشور بر این موضع خود باقی خواهد ماند یا نه؟ اما بدون تردید یکی از محورهای اختلاف در هفته‌های آینده این خواهد بود که آیا قانون قدیم باید سبانی برگزاری انتخابات قرار گیرد یا دستپخت تازه مجلس. ترکیب هیأت‌های نظارت بر انتخابات نیز از محورهای دیگری است که از هم اکنون پیرامون آن اختلافات نظرات بروز کرده است و هواداران دولت از آن شکوه می‌کنند که ترکیب هیأت‌های نظارت دارد کاملاً یک دست و به نفع محافظه‌کاران تعیین می‌شود.

مشکل همچنان باقی است

امسا موضوع اصلی یعنی

حسن غفوری فرد

دبیرکل

جامعه‌اسلامی‌مهندسين:

اگر کارگزاران تمام

مواضع آقای هاشمی

را بپذیرند، شاید با

آنها ائتلاف کنیم

حسن غفوری فرد، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين است. این جامعه اسلامی، از گروه‌های موثر در تعیین سیاست‌های محافظه‌کاران است. روزنامه صبح امروز در مصاحبه‌ای با او نظرات جامعه اسلامی مهندسين در خصوص انتخابات را جویا شده است. خلاصه‌ای از این مصاحبه در این روزنامه چاپ شده است که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

حسن غفوری فرد، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين به خبرنگار صبح امروز گفت: احتمال ائتلاف جناح راست با کارگزاران به هیچ وجه وجود ندارد. ما تا به حال هیچ بحث جدی در این باره نداشته‌ایم. چرا که در دیدگاه و اصول با کارگزاران اختلاف زیادی داریم. البته این احتمال وجود دارد که نام آقای هاشمی‌رفسنجانی و چند نفر دیگر در فهرست ما وجود داشته باشد و هم در فهرست کارگزاران، اما این اصلا به معنای ائتلاف نیست. وی افزود: از نظر ما حساب کارگزاران از آقای هاشمی جداست، اما اگر اعلام کنند که تمام مواضع آقای هاشمی را قبول دارند شاید با آنها ائتلاف کنیم. اما من بعید می‌دانم آنها چنین کاری بکنند. غفوری فرد در پاسخ به این پرسش که «ترکیب مجلس ششم را چگونه پیش بینی می‌کنند»، گفت: تحلیل شخصی من این است که ترکیب مجلس ششم تغییر چندانی نخواهد کرد. همه چیز بستگی به این دارد که ما کاندیداهایمان را چقدر قوی انتخاب کنیم. ما در این مورد برنامه‌ریزی کافی کرده‌ایم و چهره‌های محبوب و تازه را معرفی خواهیم کرد. دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين گفت: ما چه شکست بخوریم چه نخوریم، باید مواضع خود را بازبینی و اصلاح کنیم و اگر می‌خواهیم به حیات سیاسی خودمان ادامه بدهیم باید به مردم نزدیک شویم. وی در باره دلایل شکست جناح راست در انتخابات گفت: ما از دولت قبلی (هاشمی‌رفسنجانی) حمایت زیادی کردیم، در نتیجه اشکالاتش برای ما ماند و منافعش برای کارگزاران. مردم ضعف‌های دولت قبل را به پای ما نوشتند و این یکی از دلایل شکست ما بود!

حسین مرعشی جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی:

بخش‌های متعادل جناح‌های چپ و راست می‌توانند با کارگزاران کار کنند

چهره، در مورد احزاب تصمیم می‌گیریم نه در مورد یک جناح خاص. ما با دوستانمان در مجموعه دوم خرداد تفاهم‌های خوبی داریم، منتها تا در مورد افراد به توافق نرسیم نمی‌توانیم به‌طور قطعی چیزی را در مورد کسی بگوییم. در مورد عدم انتخاب خانم سیاسی هم پیام بهتری از آن دریافت کرده‌ایم که می‌تواند برای همه گروه‌ها پیام مهمی باشد. پیامش هم این است که اگر گروه‌ها به جای مطرح کردن افسراد شناخته‌شده و منتقد و باسابقه، سراغ عناصر داخلی خودشان بروند همین مشکلات ممکن است برای همه به‌وجود بیاید.

● با توجه به اینکه آقای هاشمی قصد دارند وارد صحنه انتخابات شوند و در جبهه دوم خرداد دیدگاه‌های یکسانی نسبت به ایشان وجود ندارد، آیا شاخص شما برای ائتلاف با دوم خرداد، آقای هاشمی است؟

آقای هاشمی هیچ تصمیمی در مورد حضور در انتخابات نگرفته‌اند و اگر ایشان تصمیم سازندگی را که به مسایل روز مربوط می‌شود، در زیر می‌خوانید:

● شما صحبت از بازسازی جناح راست کردید، حالا اگر جناح راست نشانه‌هایی از بازسازی را در خود نمایش بدهد، آیا در مورد انتخابات مجلس ششم می‌توانیم شاهد ائتلاف کارگزاران با آنها باشیم؟

○ مرعشی: ما در مورد ائتلاف با گروه راست هیچ‌گونه بحثی نداشته‌ایم و افق روشنی هم برای این بحث نمی‌بینیم. ما مذاکرات و جلسات مختلف با دوستان دوم خردادی را در مجموعه دوم خرداد هنوز داریم، مشکلی هم نمی‌بینیم. توصیه ما این است که هم روی آن ملاک و معیاری که در انتخابات ریاست جمهوری عمل کردیم با مردم کار کنیم تا بتوانیم موقعیت مردمی خودمان را حفظ کنیم. اگر آن ملاک و معیار را ترک نکنیم و با جامعیّت و مطرح کردن شایسته‌ترین‌ها عمل کنیم، فکر می‌کنم مشکلی وجود نخواهد داشت.

● در انتخابات شوراها، خانم روشنگر سیاسی، نامزد اختصاصی کارگزاران رتبه مناسبی نداشت. این مساله نشان داد که اگر کارگزاران در انتخابات مجلس ششم ائتلاف نکنند، قطعاً موفق نخواهند بود. سوال من این است که شما به‌طور مشخص در انتخابات مجلس ششم با چه جناح و گروه‌هایی ائتلاف خواهید کرد؟

○ ما در مورد ائتلاف چهره به چهره، در مورد احزاب تصمیم می‌گیریم نه در مورد یک جناح خاص. ما با دوستانمان در مجموعه دوم خرداد تفاهم‌های خوبی داریم، منتها تا در مورد افراد به توافق نرسیم نمی‌توانیم به‌طور قطعی چیزی را در مورد کسی بگوییم. در مورد عدم انتخاب خانم سیاسی هم پیام بهتری از آن دریافت کرده‌ایم که می‌تواند برای همه گروه‌ها پیام مهمی باشد. پیامش هم این است که اگر گروه‌ها به جای مطرح کردن افسراد شناخته‌شده و منتقد و باسابقه، سراغ عناصر داخلی خودشان بروند همین مشکلات ممکن است برای همه به‌وجود بیاید.

● با توجه به اینکه آقای هاشمی قصد دارند وارد صحنه انتخابات شوند و در جبهه دوم خرداد دیدگاه‌های یکسانی نسبت به ایشان وجود ندارد، آیا شاخص شما برای ائتلاف با دوم خرداد، آقای هاشمی است؟

آقای هاشمی هیچ تصمیمی در مورد حضور در انتخابات نگرفته‌اند و اگر ایشان تصمیم سازندگی را که به مسایل روز مربوط می‌شود، در زیر می‌خوانید:

● شما صحبت از بازسازی جناح راست کردید، حالا اگر جناح راست نشانه‌هایی از بازسازی را در خود نمایش بدهد، آیا در مورد انتخابات مجلس ششم می‌توانیم شاهد ائتلاف کارگزاران با آنها باشیم؟

○ مرعشی: ما در مورد ائتلاف با گروه راست هیچ‌گونه بحثی نداشته‌ایم و افق روشنی هم برای این بحث نمی‌بینیم. ما مذاکرات و جلسات مختلف با دوستان دوم خردادی را در مجموعه دوم خرداد هنوز داریم، مشکلی هم نمی‌بینیم. توصیه ما این است که هم روی آن ملاک و معیاری که در انتخابات ریاست جمهوری عمل کردیم با مردم کار کنیم تا بتوانیم موقعیت مردمی خودمان را حفظ کنیم. اگر آن ملاک و معیار را ترک نکنیم و با جامعیّت و مطرح کردن شایسته‌ترین‌ها عمل کنیم، فکر می‌کنم مشکلی وجود نخواهد داشت.

● در انتخابات شوراها، خانم روشنگر سیاسی، نامزد اختصاصی کارگزاران رتبه مناسبی نداشت. این مساله نشان داد که اگر کارگزاران در انتخابات مجلس ششم ائتلاف نکنند، قطعاً موفق نخواهند بود. سوال من این است که شما به‌طور مشخص در انتخابات مجلس ششم با چه جناح و گروه‌هایی ائتلاف خواهید کرد؟

○ ما در مورد ائتلاف چهره به چهره، در مورد احزاب تصمیم می‌گیریم نه در مورد یک جناح خاص. ما با دوستانمان در مجموعه دوم خرداد تفاهم‌های خوبی داریم، منتها تا در مورد افراد به توافق نرسیم نمی‌توانیم به‌طور قطعی چیزی را در مورد کسی بگوییم. در مورد عدم انتخاب خانم سیاسی هم پیام بهتری از آن دریافت کرده‌ایم که می‌تواند برای همه گروه‌ها پیام مهمی باشد. پیامش هم این است که اگر گروه‌ها به جای مطرح کردن افسراد شناخته‌شده و منتقد و باسابقه، سراغ عناصر داخلی خودشان بروند همین مشکلات ممکن است برای همه به‌وجود بیاید.

● با توجه به اینکه آقای هاشمی قصد دارند وارد صحنه انتخابات شوند و در جبهه دوم خرداد دیدگاه‌های یکسانی نسبت به ایشان وجود ندارد، آیا شاخص شما برای ائتلاف با دوم خرداد، آقای هاشمی است؟

آقای هاشمی هیچ تصمیمی در مورد حضور در انتخابات نگرفته‌اند و اگر ایشان تصمیم سازندگی را که به مسایل روز مربوط می‌شود، در زیر می‌خوانید:

● شما صحبت از بازسازی جناح راست کردید، حالا اگر جناح راست نشانه‌هایی از بازسازی را در خود نمایش بدهد، آیا در مورد انتخابات مجلس ششم می‌توانیم شاهد ائتلاف کارگزاران با آنها باشیم؟

مردم از خودش نشان بدهد و کمتر به گروه‌گرایی گرایش پیدا کند و بیشتر بتواند نیروهای آزادشده (اکنون یک سری از نیروهای آزادشده سیاسی در صحنه فعالند) را سرو سامان بدهد، در مجلس آینده نقش بیشتری خواهد داشت. ترکیب مجلس آینده برای من قابل پیش‌بینی نیست، چون نیروهای آزادشده سیاسی در عرصه انتخابات زیادند و باید ببینیم فرآیند این مبارزات به کجا می‌رسد.

● آیا شما اقلیت و اکثریتی را در مجلس آینده پیش‌بینی نمی‌کنید؟

○ اصلاً نمی‌توانم پیش‌بینی کنم، واقعا نمی‌توانم پیش‌بینی کنم. یعنی به عنوان کسی که از مسائل سیاسی اطلاع دارم اصلاً نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که مجلس آینده چه ترکیبی خواهد داشت.

● شما شرایط خودتان را در مجلس ششم چگونه می‌بینید؟

○ آن هم بستگی به عوامل متعددی دارد. نمی‌توانم خیلی پیش‌بینی مشخصی ارائه کنم. در مورد دادگاه

تجدید نظر آقای کرباسچی آیا کارگزاران در این مورد کاری انجام خواهد داد یا نه؟

○ ما فعلاً مصلحت می‌دانیم که در این مورد سکوت کنیم. نظر شما (کارگزاران) در مورد توقیف روزنامه زن چیست؟

○ ما توقیف روزنامه زن را غیرقانونی می‌دانیم. هیچ حکمی هم تا الان به مسئولان روزنامه زن داده نشده و فکر می‌کنم هر چه سریعتر باید در یک محکمه صالح‌جای به این مورد رسیدگی شده و تعیین تکلیف شود.

● چرا از سوی مسئولان روزنامه، قضیه پیگیری نمی‌شود؟

○ اعتراضی خانم هاشمی دادند.

● حداقل در جامعه مطبوعاتی این انتظار وجود داشت که برای رفع توقیف روزنامه زن تلاش می‌شد، زیرا با توجه به نفوذ آقای هاشمی...

○ روزنامه‌ای را بسته‌اند دیگر. می‌توانیم چکار کنیم؟ الان روزنامه سلام بسته شده، شما چکار می‌کنید، اعتراض دانشجویان در کوی دانشگاه حرکتی بود که نسبت به توقیف سلام در جامعه انجام شد و جامعه مطبوعاتی همانطور که برای روزنامه زن تلاش کرد برای کوی دانشگاه هم تلاش کرد.

● به عنوان آخرین سوال، نگاه کارگزاران در باره رابطه با آمریکا چیست؟

○ باشد برای فرصتی دیگر! □

● گفته می‌شود آقای هاشمی و آقای یزدی برای روحانیت مبارز نامزد بودند که...

○ آقای هاشمی مطلقاً نامزد نبودند. ظاهراً تمام‌بایی با ایشان گرفته شده بود و اصرار هم بود که ایشان بپذیرند ولی آقای هاشمی نپذیرفت و آنها به سراغ آقای مهدوی کنی رفتند.

● چه ترکیبی از مجلس ششم به دست می‌دهید؟

○ به نظر من ترکیب مجلس ششم بستگی به تصمیمات و عملکرد جناح‌های سیاسی دارد. هر جناح سیاسی می‌تواند از خودش ظرفیت بیشتری برای سازماندهی مردم نشان دهد و گرایش واقعی بیشتری به سمت مشکلات و خواست‌های سیاسی مردم و بهانه‌ای برای ایجاد تقابل بین دینداری و آزادی‌خواهی است و انحراف از مسیر جنبش دوم خرداد را دربر دارد. سایر روزنامه‌ها نیز به فراخور حال ضمن اشاره به این نکته نباید از جنبه توطئه‌آمیز بهانه‌جویان در تدارک چنین ماجرابی در آغاز سال تحصیلی غافل بود، تلاش می‌کنند ضمن محکوم کردن عملان، راه‌نمایی‌هایی برای عمل درست عرضه کنند.

توهین مثل بروتک! اما روزنامه‌هایی دیگر در

موضوع‌گیری‌های گروه‌های مختلف علیه توهینی که ۲۵ روز پیش از آن در یک نشریه مهجور دانشجویی نسبت به مقدسات صورت گرفته است. واکنش تندی است که می‌توان آن را ملی نام نهاد. همه گروه‌ها و گرایش‌ها این نوشته را -که روز شنبه سوم مهر همه به دنبال آن می‌گردند تا از مضمونش سردرآورند - محکوم می‌کنند. نویسنده سرمقاله «صبح‌امروز» آن را مطلب موهن و سخیف می‌نامد که حاوی بی‌توجهی و بی‌احترامی به باورهای دینی

پیام‌های تلفنی روزنامه‌کیهان در غالب یک نماینده آورده شده است. قسمت‌هایی از این گزارش را در زیر می‌خوانید:

شنبه سوم مهر ماه: روز در حالی آغاز می‌شود که تبلیغات ضد دولتی به‌بهانه چاپ مطبلی در یک نشریه دانشجویی در اوج خود قرار دارد. روز قبل از آن آقای جتی امام جمعه تهران هنگام ایراد خطبه‌ها و با یادآوری ماجرا، دو بار بغض کرده و تا آستانه گریه پیش رفته است. مطبوعات سرشارند از

تیترو فوق، عنوان سلسله گزارش‌های روزنامه صبح امروز پیرامون ماجرای نشریه «موج» است. این گزارش به بررسی چگونگی عملکرد محافل و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار در تبدیل «موج» به «طوفان» پرداخته است و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار را در این ماجرا توضیح داده است. در قسمتی از این گزارش به اعلامیه معروف جامعه روحانیت مبارز علیه خاتمی پرداخته شده، و جریان تهیه این اعلامیه از روی ستون

مردم و بهانه‌ای برای ایجاد تقابل بین دینداری و آزادی‌خواهی است و انحراف از مسیر جنبش دوم خرداد را دربر دارد. سایر روزنامه‌ها نیز به فراخور حال ضمن اشاره به این نکته نباید از جنبه توطئه‌آمیز بهانه‌جویان در تدارک چنین ماجرابی در آغاز سال تحصیلی غافل بود، تلاش می‌کنند ضمن محکوم کردن عملان، راه‌نمایی‌هایی برای عمل درست عرضه کنند.

توهین مثل بروتک! اما روزنامه‌هایی دیگر در

موضوع‌گیری‌های گروه‌های مختلف علیه توهینی که ۲۵ روز پیش از آن در یک نشریه مهجور دانشجویی نسبت به مقدسات صورت گرفته است. واکنش تندی است که می‌توان آن را ملی نام نهاد. همه گروه‌ها و گرایش‌ها این نوشته را -که روز شنبه سوم مهر همه به دنبال آن می‌گردند تا از مضمونش سردرآورند - محکوم می‌کنند. نویسنده سرمقاله «صبح‌امروز» آن را مطلب موهن و سخیف می‌نامد که حاوی بی‌توجهی و بی‌احترامی به باورهای دینی

پیام‌های تلفنی روزنامه‌کیهان در غالب یک نماینده آورده شده است. قسمت‌هایی از این گزارش را در زیر می‌خوانید:

شنبه سوم مهر ماه: روز در حالی آغاز می‌شود که تبلیغات ضد دولتی به‌بهانه چاپ مطبلی در یک نشریه دانشجویی در اوج خود قرار دارد. روز قبل از آن آقای جتی امام جمعه تهران هنگام ایراد خطبه‌ها و با یادآوری ماجرا، دو بار بغض کرده و تا آستانه گریه پیش رفته است. مطبوعات سرشارند از

تیترو فوق، عنوان سلسله گزارش‌های روزنامه صبح امروز پیرامون ماجرای نشریه «موج» است. این گزارش به بررسی چگونگی عملکرد محافل و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار در تبدیل «موج» به «طوفان» پرداخته است و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار را در این ماجرا توضیح داده است. در قسمتی از این گزارش به اعلامیه معروف جامعه روحانیت مبارز علیه خاتمی پرداخته شده، و جریان تهیه این اعلامیه از روی ستون

شکوری‌راد

عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی:

کارگزاران چنانچه از تاثیر هاشمی به دور

باشند، هرگز به سوی ائتلاف با جناح راست

حرکت نخواهند کرد.

مجموع نیروهای خطامام و جبهه مشارکت به مراتب بیشتر است و طبیعی است در آینده این‌ها به نوعی از مواضع یکدیگر حمایت بیشتری کنند و یقیناً از مجموعه نیروهای دوم خرداد مجمع روحانیون مبارز عنصر و عامل مهمی است که می‌تواند خرده‌اختلاف‌ها را تعدیل کند.

● همانطوری که مطلعید، آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای با یکی از روزنامه‌ها در خصوص کاندیداتوری خود در انتخابات اظهار داشت که قصد شرکت نخواهند داشت مگر اینکه تکلیف شود. آیا در صورت شرکت آقای هاشمی در انتخابات، نام او را در لیست خود جای خواهید داد؟

○ در خصوص حضور هاشمی در انتخابات، هیچ‌کس نمی‌تواند تا لحظه‌ای که فهرست اسامی کاندیداها برای آغاز تبلیغات اعلام شود، نظر قطعی دهد و حتی اگر ایشان ثبت‌نام هم کنند، در مورد ادامه حضورش در انتخابات نمی‌توان تفاوت کرد، چرا که رفتار سیاسی آقای هاشمی پیچیده است و حضور وی در انتخابات هم مقتضای مسی طلبد و هم او نتایجی را ارزیابی می‌کند و اگر مقتضای فراموش نشود و آن نتایجی که برایشان مدنظر است حاصل نشود، بعید به نظر می‌رسد وارد عرصه مهم شود و به نظر من هاشمی وارد صحنه‌ای می‌شود که نتایج آن را از قبل پیش‌بینی کرده باشد. لذا این که ایشان هر زمانی تصمیم جدیدی بگیرند قابل پیش‌بینی است و اگر قطعاً و صریحاً هم اعلام نظر کنند، باز باید منتظر آینده بود تا ببینیم چه رفتاری را عملاً انجام می‌دهند. در گروه‌ها و نیروهای جبهه دوم خرداد هم کسانی هستند که اظهار می‌کنند اگر هاشمی در لیست ائتلاف قرار گیرند، آنها از لیست ائتلافی بیرون خواهند کشید و کسانی هستند که خواهند گفت اگر هاشمی در لیست باشند در انتخابات شرکت خواهند کرد و طبیعی است حضور و عدم حضور هاشمی در انتخابات، در ائتلاف بزرگ دوم خرداد نقش خواهد داشت و در این خصوص، برخی از علایق جناح راست است معتقدند: باید اجازه داد روند طبیعی انتخابات شکل گیرد و آنها اقلیت قدرتمندی را در مجلس به دست آورند چراکه اکثریت خود را از دست‌دهنده می‌بینند، از حضور هاشمی و نیز تصدی ریاست مجلس توسط وی استقبال می‌کنند و زمینه شایعه‌ها را دامن می‌زنند که ممکن است کارگزاران با جناح راست ائتلاف بکنند. ولی من فکر می‌کنم تشکیلات کارگزاران چنانچه از تاثیر هاشمی به دور باشند، هرگز به سوی ائتلاف با جناح راست حرکت نخواهند کرد.

● برخی حضور آقای هاشمی در لیست ائتلاف با جناح راست را در انتخابات به عنوان وزنه‌ای در مقابل آقای هاشمی رفسنجانی قلمداد می‌کنند. در صورت حضور خونی‌هایی فضایی انتخابات چگونه خواهد بود؟

○ حکم دادگاه ویژه به نوعی ناظر به این بود که نوعاً مانع از شرکت موسوی خونی‌ها در انتخابات باشد و به نظر می‌رسد دانسته یا نادانسته، حکم را طوری تنظیم کردند که براساس قانون، بتوان مانع از حضور خونی‌ها در انتخابات شد... □

علی شکوری‌راد، از اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی، در مصاحبه با روزنامه آزاد، نظرات این حزب پیرامون انتخابات مجلس ششم را تشریح کرده است. جبهه مشارکت اسلامی که دیرزمانی از تاسیس آن نمی‌گذرد، نزدیک‌ترین حزب به آقای خاتمی رئیس‌جمهور شناخته می‌شود و به ویژه در میان روزنامه‌نگاران و دانشجویان طرفدار دولت نفوذ دارد. این جبهه از سوی بسیاری، بیش از سایر تشکله‌ها و احزاب موجود، نمایانگر «دوم خرداد» معرفی می‌شود. بخش‌هایی از مصاحبه روزنامه آزاد با علی شکوری‌راد را می‌خوانید:

● برنامه‌های جبهه مشارکت ایران اسلامی برای انتخابات مجلس ششم چیست؟ آیا در مورد ائتلاف یا ارائه لیست مشترک با گروه خاصی به توافق رسیده‌اید یا تصمیم دارید لیست مستقل ارائه دهید؟

○... جبهه مشارکت هنوز لیست خود را نیبسته است و درحال بررسی است. ما فرم‌هایی را برای نامزدهای انتخاباتی که علاقه‌مند بودند جبهه مشارکت هم از آنها حمایت کند، ارائه داده‌ایم و هم کسانی که خود اعلام آمادگی نموده و منطبق با جبهه هستند و هم کسانی که جبهه مشارکت در بررسی‌های مقدماتی توصیه کرده که نامزد شوند در لیست ثبت‌نام کنندگان قرار دارند. ضمن این که ما در مورد هیچ‌کس تصمیم قطعی نگرفته‌ایم... طبیعی است تعداد ثبت‌نام کنندگان برای انتخابات بیشتر از تعداد مورد نیاز خواهد بود و این به دلیل این است که اولاً بتوانیم در مقابل نظرات استصوابی که ممکن است ما را محدود کند دستمان خالی نباشد و همیشه نامزدهای مورد نیاز را داشته باشیم و از طرفی بتوانیم با رایزنی‌ها با گروه‌های مختلف، تعداد نمایندگانی داشته باشیم و در این زمینه جبهه مشارکت بزودی سخنگوی رسمی خود را معرفی می‌کند تا مواضع جبهه را بیان کند و طبیعی است اظهارات سایر اعضای جبهه مشارکت گرچه به مواضع جبهه نزدیک است اما نمی‌تواند به عنوان موضع جبهه مورد استفاده قرار گیرد.

● ما امیدواریم در نهایت ائتلاف بزرگ در جبهه دوم خرداد شکل گیرد و در این خصوص رایزنی‌های مختلفی صورت می‌گیرد و مجمع روحانیون مبارز هم در جلساتی، که گذشته‌اند شرکت می‌کنند و ریاست جلسات هم به عهده آنهاست و تاکنون همکاری خوبی بوده است و پیش‌بینی می‌شود خرده‌اختلاف‌هایی وجود داشته باشد و همچنین پیش‌بینی می‌شود جناح راست هم بر دامنه این خرده‌اختلاف‌ها بیفزاید و ما هرگز بری از خرده‌اختلاف‌ها نخواهیم بود، اما فکر می‌کنیم نیروهای دوم خرداد عزم خوبی برای کنار گذاشتن این خرده‌اختلاف‌ها دارند و لذا افق آبیسنده تا حدود زیادی امیدوارکننده است.

● برخی از صاحب‌نظران معتقدند که مجمع روحانیون مبارز با کارگزاران سازندگی ائتلاف خواهند کرد، به نظر شما آیا این ائتلاف صورت خواهد پذیرفت؟

○ به نظر می‌رسد تمایل مجمع روحانیون مبارز به

مسطحی متفاوت عمل می‌کردند. احتمالاً توهین یادشده برای آنها اصلاً مهم نبود. شاید حتی آن مطلب موهن برایشان مانده‌ای بود آسمانی که می‌توانست غانله‌ای بیافریند و چاهی بر سر راه دوم خرداد پدید آورد. اگر چنین نبود روز شنبه از انعکاس اعلامیه یک روحانی برجسته که سخنان قبلی‌اش را به‌عنوان فتوایی جهت حمله به مطبوعات، دانشجویان، وزارت ارشاد، دولت و جنبش ادامه در صفحه ۱۱

موضوع‌گیری‌های گروه‌های مختلف علیه توهینی که ۲۵ روز پیش از آن در یک نشریه مهجور دانشجویی نسبت به مقدسات صورت گرفته است. واکنش تندی است که می‌توان آن را ملی نام نهاد. همه گروه‌ها و گرایش‌ها این نوشته را -که روز شنبه سوم مهر همه به دنبال آن می‌گردند تا از مضمونش سردرآورند - محکوم می‌کنند. نویسنده سرمقاله «صبح‌امروز» آن را مطلب موهن و سخیف می‌نامد که حاوی بی‌توجهی و بی‌احترامی به باورهای دینی

پیام‌های تلفنی روزنامه‌کیهان در غالب یک نماینده آورده شده است. قسمت‌هایی از این گزارش را در زیر می‌خوانید:

شنبه سوم مهر ماه: روز در حالی آغاز می‌شود که تبلیغات ضد دولتی به‌بهانه چاپ مطبلی در یک نشریه دانشجویی در اوج خود قرار دارد. روز قبل از آن آقای جتی امام جمعه تهران هنگام ایراد خطبه‌ها و با یادآوری ماجرا، دو بار بغض کرده و تا آستانه گریه پیش رفته است. مطبوعات سرشارند از

تیترو فوق، عنوان سلسله گزارش‌های روزنامه صبح امروز پیرامون ماجرای نشریه «موج» است. این گزارش به بررسی چگونگی عملکرد محافل و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار در تبدیل «موج» به «طوفان» پرداخته است و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار را در این ماجرا توضیح داده است. در قسمتی از این گزارش به اعلامیه معروف جامعه روحانیت مبارز علیه خاتمی پرداخته شده، و جریان تهیه این اعلامیه از روی ستون

مردم و بهانه‌ای برای ایجاد تقابل بین دینداری و آزادی‌خواهی است و انحراف از مسیر جنبش دوم خرداد را دربر دارد. سایر روزنامه‌ها نیز به فراخور حال ضمن اشاره به این نکته نباید از جنبه توطئه‌آمیز بهانه‌جویان در تدارک چنین ماجرابی در آغاز سال تحصیلی غافل بود، تلاش می‌کنند ضمن محکوم کردن عملان، راه‌نمایی‌هایی برای عمل درست عرضه کنند.

توهین مثل بروتک! اما روزنامه‌هایی دیگر در

موضوع‌گیری‌های گروه‌های مختلف علیه توهینی که ۲۵ روز پیش از آن در یک نشریه مهجور دانشجویی نسبت به مقدسات صورت گرفته است. واکنش تندی است که می‌توان آن را ملی نام نهاد. همه گروه‌ها و گرایش‌ها این نوشته را -که روز شنبه سوم مهر همه به دنبال آن می‌گردند تا از مضمونش سردرآورند - محکوم می‌کنند. نویسنده سرمقاله «صبح‌امروز» آن را مطلب موهن و سخیف می‌نامد که حاوی بی‌توجهی و بی‌احترامی به باورهای دینی

پیام‌های تلفنی روزنامه‌کیهان در غالب یک نماینده آورده شده است. قسمت‌هایی از این گزارش را در زیر می‌خوانید:

شنبه سوم مهر ماه: روز در حالی آغاز می‌شود که تبلیغات ضد دولتی به‌بهانه چاپ مطبلی در یک نشریه دانشجویی در اوج خود قرار دارد. روز قبل از آن آقای جتی امام جمعه تهران هنگام ایراد خطبه‌ها و با یادآوری ماجرا، دو بار بغض کرده و تا آستانه گریه پیش رفته است. مطبوعات سرشارند از

تیترو فوق، عنوان سلسله گزارش‌های روزنامه صبح امروز پیرامون ماجرای نشریه «موج» است. این گزارش به بررسی چگونگی عملکرد محافل و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار در تبدیل «موج» به «طوفان» پرداخته است و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار را در این ماجرا توضیح داده است. در قسمتی از این گزارش به اعلامیه معروف جامعه روحانیت مبارز علیه خاتمی پرداخته شده، و جریان تهیه این اعلامیه از روی ستون

مردم و بهانه‌ای برای ایجاد تقابل بین دینداری و آزادی‌خواهی است و انحراف از مسیر جنبش دوم خرداد را دربر دارد. سایر روزنامه‌ها نیز به فراخور حال ضمن اشاره به این نکته نباید از جنبه توطئه‌آمیز بهانه‌جویان در تدارک چنین ماجرابی در آغاز سال تحصیلی غافل بود، تلاش می‌کنند ضمن محکوم کردن عملان، راه‌نمایی‌هایی برای عمل درست عرضه کنند.

توهین مثل بروتک! اما روزنامه‌هایی دیگر در

موضوع‌گیری‌های گروه‌های مختلف علیه توهینی که ۲۵ روز پیش از آن در یک نشریه مهجور دانشجویی نسبت به مقدسات صورت گرفته است. واکنش تندی است که می‌توان آن را ملی نام نهاد. همه گروه‌ها و گرایش‌ها این نوشته را -که روز شنبه سوم مهر همه به دنبال آن می‌گردند تا از مضمونش سردرآورند - محکوم می‌کنند. نویسنده سرمقاله «صبح‌امروز» آن را مطلب موهن و سخیف می‌نامد که حاوی بی‌توجهی و بی‌احترامی به باورهای دینی

پیام‌های تلفنی روزنامه‌کیهان در غالب یک نماینده آورده شده است. قسمت‌هایی از این گزارش را در زیر می‌خوانید:

شنبه سوم مهر ماه: روز در حالی آغاز می‌شود که تبلیغات ضد دولتی به‌بهانه چاپ مطبلی در یک نشریه دانشجویی در اوج خود قرار دارد. روز قبل از آن آقای جتی امام جمعه تهران هنگام ایراد خطبه‌ها و با یادآوری ماجرا، دو بار بغض کرده و تا آستانه گریه پیش رفته است. مطبوعات سرشارند از

تیترو فوق، عنوان سلسله گزارش‌های روزنامه صبح امروز پیرامون ماجرای نشریه «موج» است. این گزارش به بررسی چگونگی عملکرد محافل و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار در تبدیل «موج» به «طوفان» پرداخته است و روزنامه‌های جناح محافظه‌کار را در این ماجرا توضیح داده است. در قسمتی از این گزارش به اعلامیه معروف جامعه روحانیت مبارز علیه خاتمی پرداخته شده، و جریان تهیه این اعلامیه از روی ستون

مردم و بهانه‌ای برای ایجاد تقابل بین دینداری و آزادی‌خواهی است و انحراف از مسیر جنبش دوم خرداد را دربر دارد. سایر روزنامه‌ها نیز به فراخور حال ضمن اشاره به این نکته نباید از جنبه توطئه‌آمیز بهانه‌جویان در تدارک چنین ماجرابی در آغاز سال تحصیلی غافل بود، تلاش می‌کنند ضمن محکوم کردن عملان، راه‌نمایی‌هایی برای عمل درست عرضه کنند.

به یاد محمد علی جواهری، از بنیانگذاران جنبش سندیکالیستی ایران

همانگونه که در شماره قبلی «کار» خواندیم، محمد علی جواهری، سنیکالیست قدیمی ایرانی در شهریور ماه گذشته، در سن ۹۰ سالگی در شهر پاریس چشم از جهان فرو بست.

به یاد و احترام این مبارز جنبش کارگری ایران، دو مقاله انتقالب کرده ایم. نخست متنی است که محمد علی جواهری خود در مورد زندگی خویش نوشته است و دیگری نگاهی به زندگی پررنگ او با قلم رفیق شاه‌الله رزمی است.

قایق مست به خاک نشست

پسازدهم شهریورماه ۱۳۷۸ محمدعلی جواهری در یکی از خانه‌های سالمندان در شمال غرب پاریس چشم از جهان فرو بست. با مرگ وی تاریخ سندیکالیسم در ایران یکی از بنیانگذاران خویش و جنبش جهانی سندیکالیستی یکی از آموزگاران برجسته خود را از دست داد. محمدعلی جواهری نود سال پیش در یک خانواده کاسبکار جز در شهر رشت بدنیا آمد. او در ایام کودکی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی دایه اش بزرگ شد. بعد از پایان تحصیلات در رشت در سال ۱۳۰۸ با تشویق دایه اش که همپتان مخارج او را تأمین می‌کرد، برای ادامه تحصیل به تهران آمد و وارد مدرسه دارالفنون گردید و در رشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت.

آشنایی با پرویز ناتل خانلری در دارالفنون تأثیر انکارناپذیر در زندگی و تفکر جواهری گذاشت. جواهری در ایام نوجوانی در رشت با جنبش آزادیخواهی گیلان از نزدیک آشنا شده بود و تحت تأثیر اطرافیان خانوادگی اش تمایلات چپ داشت. آشنایی با خانلر (تمام دوستان نزدیک دکتر پرویز ناتل خانلری او را بصورت خودمانی خانلر خطاب می‌کرد) موجب شد تا جواهری به دنیای شعر و ادب پیوندد بخورد و با گروه «ربعه» که پیشروترین شعرا و نویسندگان آنروز بودند آشنا بشود و هم صحبت بزرگ مردانی چون ملک‌الشعرا بهار و صادق هدایت شود.

خانلر هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی پشتیبان جواهری می‌شود و این دو یار دستانه تا روزی که جواهری از ایران خارج می‌شود یار غار همدیگر بوده‌اند.

در سال ۱۳۱۲ جواهری بعد از اتمام تحصیلات در دارالفنون به استخدام اداره فرهنگ درمی‌آید و بعنوان دبیر زبان فرانسه برای تدریس در مدرسه نظام به کرمانشاه اعزام می‌شود. جواهری پایان‌نامه تحصیلات خود را درباره شعری نوپرداز فرانسه نوشته بود و تحت راهنمایی‌های استاد فرانسوی اش «ژان هیته» شیفته شعر مدرن اروپایی شده بود.

دوستی محمدعلی جواهری با بزرگ علوی از همان دوران تحصیل چرخش دیگری در زندگی او ایجاد می‌کند. «آقا بزرگ» با محل روزنامه دنیا همکاری داشت. در این محفل که موسس و محور آن دکتر تقی ارانی بود، علم، هنر و سیاست با هم درمی‌آمیخت تا راهی برای نیجات ایران از جهل و بی‌عدالتی و عقب‌ماندگی بازکنند. دستگیری گروه ۵۳ نفر و از جمله بزرگ علوی نقطه عطفی است برای محمد علی جواهری تا راه زندگی خود را انتخاب کند و قدم

جواهری از زبان خودش

اینجانب محمد علی جواهری در پانز سال ۱۹۱۱ در شهر رشت پایتخت گیلان متولد شدم. بعد از اعلام حکومت سوسیالیستی میرزا کوچک‌خان در گیلان، پدر و عموی من عضو حزب کمونیست شدند و اینجانب در سن ۱۲ سالگی عضو سازمان جوانان حزب کمونیست. بعد از کودتای ۱۹۲۰ انگلیسی‌ها بوسیله رضاخان در ایران، میرزا کوچک‌خان قتل رسید و حزب کمونیست هم مخفی شد. در سال ۱۹۲۶ - ۱۹۲۸ چندین بار زندانی شدم. در سال ۱۹۲۸ به تهران رفتم و به فعالیت کمونیستی ادامه دادم. در فاصله سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۳ مبارز مخفی و شاعر مخفی بودم. در سال ۱۹۴۱ ارتش متفقین وارد ایران شد و رژیم دیکتاتوری رضا شاه برکنار گردید. زندانیان سیاسی آزاد گردیدند و انتهای کد فعالیت مخفی می‌کردند، علنی شدند. اشعار من تحت عنوان مستعار «لجندهای تلخ» در روزنامه رهبر، ارگان حزب توده منتشر می‌گردید.

بعنوان سندیکالیست در سال ۱۹۴۳ تحت عنوان معاون دبیر روزنامه «ظفر» ارگان شورای مرکزی سندیکایی ایران فعالیت میکردم. در سال ۱۹۴۶ در اولین کنگره نویسندگان ایران شرکت کردم.

در سال ۱۹۴۸ توطئه علیه محمد رضا شاه بقصد ترور او صورت گرفت. به این بهانه احزاب غیر قانونی اعلام شدند و اینجانب زندانی شدم. بدو ۱۰ سال محکوم شدم و سپس در دادگاه تجدید نظر به ۳ سال تعدیل پیدا کرد. بعد از آمدن مصدق بحکومت آزاد شدم.

در سال ۱۹۵۱، یک سال پس از آزادی، ایران را ترک کردم و به وین رفتم و در آنجا معالجه کردم. در آنجا با فدراسیون سندیکایی جهانی همکاری می‌کردم و انهم بعنوان نماینده سندیکایی ایران تا سال ۱۹۵۶ در آنجا بودم و بعلت انتقال فدراسیون سندیکایی جهانی به پراگ، ناگزیر به پراگ مراجعت کردیم و مسئولیت دبیر FSM کشورهای خاور میانه و آفریقای شمالی را به عهده داشتیم. از سال ۱۹۷۸ به پاریس آمدم و به فعالیتهای ادبی و فلسفی ادامه دادم و با کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران همکاری داشتم. □

در راه بی‌برگشت بگذارد. بدینسان این معلم جوان که از کودکی در محیط چپ و انقلابی بزرگ شده بود به یک مبارز فعال و طرفدار سرسخت طبقه کارگر تبدیل می‌شود.

با آزادی بزرگ علوی و بقیه گروه پنجاه و سه نفر و تشکیل حزب توده در گرما گرم جنگ دوم جهانی محمدعلی جواهری به عضویت حزب توده درمی‌آید و در تشکیل اتحادیه معلمین فعالانه شرکت می‌کند و مسئول اتحادیه در شهر قم می‌شود.

از این به بعد جواهری زندگی خود را وقف ایجاد تشکلهای کارگری و کارمندی می‌کند و بدین جهت یکی از پرکارترین کادربهای سندیکایی می‌باشد که پایه‌های «شوراهای متحد سراسری» را پی‌ریزی کردند و نقش تاریخی بی‌همتایی در تشکیل نمودن کارگران و زحمتکشان ایران بازی کردند. جواهری در کنار کار معلمی و فعالیت‌های سندیکایی کار هنری را نیز دنبال می‌کرد. او با اشعار خود ایده‌های عدالت‌طلبانه‌اش را بیان کرد بهمین خاطر یکی از ۵۸ شاعر و نویسنده سرشناس آنروز است که در سال ۱۳۲۵ فعالانه در تشکیل اولین کنگره نویسندگان ایران شرکت می‌کند.

خانلری در تجلیلی که راجع به نخستین کنگره نویسندگان ایران نوشته است تأکید می‌کند که در این کنگره غیر از نیما یوشیج دو شاعر نوپرداز دیگر نیز شرکت داشتند که یکی از آنها محمدعلی جواهری و دیگری فریدون تولی بود که اشعار آزاد خود را در کنگره خواندند. خانلری شخصاً معتقد بود که جواهری زودتر از نیما تحت تأثیر «پارتاسین»‌های فرانسه شروع به سرودن شعر نو کرده است ولیکن عزم و امکان پیگیری نیما را نداشت و نتوانست مانند نیما مطرح شود.

جواهری بزبان‌های عربی و فرانسه تسلط کامل داشت و زبانهای ترکی، روسی و آلمانی را خوب می‌فهمید و شعر معروف «گل‌های بد» اثر شارل بودلی را از فرانسه به عربی تحت عنوان «آهار الشیر» ترجمه کرده است. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ اشعار جواهری با نام

مستعار «تلخ» در نشریات حزب توده از جمله در روزنامه «رهبر» چاپ می‌شدند. لازم به یادآوری است که این نام مستعار ترجمه کلمه روسی «گورکی» می‌باشد و وی بخاطر ارادتی که به ماکسیم گورکی داشت این نام را برگزیده بود.

با پایان جنگ جهانی و خروج متفقین از ایران، طبع شاعرانه افکار دموکراتیک و نوجوانانه جواهری با سیاستها و عملکردهای حزب توده در تضاد قرار می‌گیرد و مسالهدار می‌شود تا اینکه همراه با خلیل ملکی و یارانش از حزب توده انشعاب می‌نماید. شرح مبارزات سازمانی جواهری را در مقطع انشعاب باید از زبان حسین ملک برادر خلیل ملکی شنید که می‌گوید، اشعار جواهری جمع جدانشدگان از حزب راه به هیجان می‌آورد.

با ضد حمله شدید رهبری حزب توده به انشعاییون و موضعگیری رادیو مسکو علیه آنان انشعاب در جذب بدنه حزب ناکام می‌ماند و تفرقه در میان جدانشدگان ایجاد می‌شود و وقتیکه ابها از اسباب می‌افتد رهبران حزب توده با توسل به دوستی‌ها و آشنایی‌ها او را دوباره به حزب دعوت می‌کنند و چون نمی‌خواستند گرایش خلیل ملکی در صفوف حزبی رسوخ یابد لذا جواهری را برای کار در مرکز سندیکاهای سرخ به ساموریت حزبی می‌فرستند و این موقعی است که بدنبال انحلال کمیترین مرکز سندیکاهای سرخ نیز تغییر نام می‌دهد و فدراسیون جهانی سندیکایی FMS بوجود می‌آید و دولت اتریش می‌خواهد که FMS از آن کشور بیرون برود و بدینسان جواهری از وین به پاریس و سپس به پراگ در چکسلواکی می‌رود و بدلیل تسلطش به زبان عربی مسئول سازمانهای سندیکایی خاورمیانه و آفریقا در FSM می‌شود و مدت ۲۵ سال به آموزش و گسترش سندیکاهای کارگری در این کشورها مشغول می‌شود که در ضمن تشکیل‌های توده‌ای جنبش‌های رهاپخش در این کشورها نیز محسوب می‌شوند. در آغاز ماموریت حزبی قرار نبود جواهری برای همیشه در خارج از

کشور بماند ولی کودتای ۲۸ مرداد و بعد از آن متلاشی شدن سازمان افسری حزب توده و تعقیب توده‌ای‌ها در داخل کشور جواهری را مجبور می‌کند زندگی در غربت را پذیرا شود و چون سالهای سال بی‌خبر از خانواده‌اش در خارج مانده بود با ژاکلین یکی از کارکنان فرانسوی FSM در پراگ ازدواج می‌کند که ثمره این ازدواج دو دختر می‌باشند که اکنون هر دو صاحب همسر و فرزند هستند. جواهری به همراه رضا روستا و ایرج اسکندری نماینده «شوراهای متحد سراسری ایران» در فدراسیون جهانی سندیکایی بودند و ایرج اسکندری نیز سردبیر ماهنامه FSM بود اما با غیر قانونی شدن شوراهای متحد بعد از ۲۸ مرداد و دستگیری رهبران آن دیگر نمی‌شد بعنوان نماینده شوراهای ایران در فدراسیون جهانی ماند. بدینجهت جواهری بکمک دوستان خود «کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران» را تأسیس می‌کند و نشریه اتحاد را بعنوان ارگان روابط سندیکایی به دو زبان فارسی و فرانسه منتشر می‌نماید که این نشریه همپتان بهمت دوستان جواهری در کمیسیون روابط سندیکایی منتشر می‌شود و تمام سندیکاهای عضو FSM از طریق این نشریه با مبارزات طبقه کارگر ایران آشنا می‌شوند.

محمد علی جواهری بعد از آنکه از کار در مرکز FSM بازنشسته شد مقیم پاریس گردید و همپنان به فعالیت‌های خود در کمیسیون روابط سندیکایی و انتشار نشریه اتحاد به کمک CGT سندیکاهای عمومی کارگران فرانسه انجام می‌گیرد ادامه داد. هنگامیکه در آستانه انقلاب ضد سلطنتی ۱۳۵۷ جنبش اعتصابی در ایران فعال شد و طبقه کارگر وارد عرصه مبارزه گردید، جواهری کتابی بزبان فرانسه بنام «نبرد طبقه کارگر ایران» انتشار داد که جمع‌بندی مبارزات کارگری روزهای قبل از انقلاب بهمین با اشاره به سوابق تاریخی اینگونه مبارزات می‌باشد. بعد از انقلاب محمد علی جواهری با یک دنیا آرزو و به توصیه دوستانش در فدراسیون

جهانی سندیکایی با اسناد و مدارک کافی به ایران برمی‌گردد تا از حکومت جدید اجازه تأسیس آموزشگاه سندیکایی را بگیرد و شروع به تربیت کادرهای سندیکایی در ایران نماید، وی برای رفتن به پیش خمینی امکان مستقیمی نیز داشت، زیرا جواهری از هنگامیکه در شهر قم دبیر زبان فرانسه بود آیت‌الله اشراقی داماد خمینی را می‌شناخت. اما بعد از مراجعه به مقامات مسئول دولت انقلاب و طرح مسائل سندیکایی با تأسف فراوان متوجه می‌شود که حاکمان جدید طبقه کارگر را خطرناک می‌دانند و در صحبت‌هایشان نیز فقط از مستضعفان نام می‌برند و از شنیدن نام سندیکا نیز وحشت دارند.

بعد از ناامید شدن از حکومت، جواهری ناچار دست به دامن رهبران حزب توده می‌شود و با یادآوری این نکته که طی ۲۵ سال گذشته آرزوی ما بازگشت به وطن و سازماندهی مجدد کارگران و دهقانان در سندیکاهای مستقل خود بود، اکنون کمک بکنید تا سندیکاهای سازمان بدهیم، اما در اینجا هم جواهری با درهای بسته روبرو می‌شود. زیرا حزب توده ابداً نمی‌خواست دست به کاری بزند که موجب خشم آیت‌الله‌ها گردد و چنین است که جواهری جهان دیده ناامید از انقلاب و مایوس از حزب دوباره به پاریس باز می‌گردد و به امید بهتر شدن اوضاع به فعالیت در کمیسیون روابط سندیکایی قناعت می‌کند.

آخرین فعالیت سندیکایی جواهری شرکت در کنگره FSM در سال ۱۳۶۸ در پاریس است. هیئت کمیسیون روابط سندیکایی ایران در این کنگره مشغول بود از محمدعلی جواهری، حسین نظری و من. تمام شرکت‌کنندگان در این کنگره که از سراسر جهان گرد آمده بودند به چشم یک استاد به جواهری نگاه می‌کردند و او از تکرار کردن این جمله خسته نمی‌شد که سندیکای واقعی باید مستقل از دولت، مستقل از احزاب و مستقل از کانون‌های مذهبی باشد. یعنی سندیکایی که متأسفانه هیچوقت در ایران وجود نداشته است.

ده ساله آخر عمر جواهری بعلت کهولت سن و بیماری «لقوه» که بشدت عذابش می‌داد به خانه‌نشینی و آخر سر به استراحت در خانه سالمندان گذشت. در این مدت او دوباره به شعر و شاعری روی آورد و آنتشی که از مدرسه دارالفنون در وجودش افتاده بود دوباره شعله‌ور گردید و مجموعه اشعارش را که تماماً در غربت سروده شده‌اند در سال ۱۳۷۰ در تهران تحت عنوان «غربستان» بچاپ رساند که آنرا به شاعر نوپرداز گیلانی شمس لنگرودی تقدیم کرده است.

محمد علی جواهری به سبک ادبی سوررئالیسم تمایل داشت و بعد از آنکه در سال ۱۹۶۳ آندره بروتون بنیانگذار مکتب سوررئالیسم را ملاقات کرده بود، بشدت تحت تأثیر او بود و قسمتی از سال‌های آخر عمر خود را نیز بدقت به نوشتن پیدایش و زمینه‌های تاریخی سوررئالیسم در ایران اختصاص داد که بعلت بیماری نتوانست آنرا پایان برساند. □ یادش جاودان و راهش پر رهرو باد.

شاه‌الله رزمی
بیستم شهریور ۱۳۷۸ - پاریس

«عنوان این نوشته از شعر «قایق مست» شاعر کار «آرتور رامبو» شاعر نابغه فرانسوی بعبارت گرفته شده است.

محافظه کاران در نخستین رویارویی آشکار خود...

همیشه به آن گردن می‌نهیم. حکم ولایت فرمان خداست.

جامعه روحانیت؛ مرا به خیر تو امید نیست!

بهران وقتی به ابعاد کاملاً خطرناک و پیش‌بینی نشده‌ای رسید، که جامعه روحانیت مبارز، یعنی ستاد اصلی روحانیون محافظه کار، با انتشار اطلاعیه معروف خود، خاتمی را مورد حملات آشکار قرار داد. جامعه روحانیت در اطلاعیه خود نوشت: «تا کی می‌توان سکوت کرد، همه چیز را به سخره گرفته‌اند باز هم می‌گویند نباید به نام دین، آزادی به خطر بیفتد، اما اگر به اسم آزادی دین‌مان و اعتقاداتمان مقدساتمان بازیچه دست این و آن قرار گیرد چه؟». جامعه روحانیت مبارز در ادامه اطلاعیه خود با جمله مستقیم به خاتمی نوشت: «این مسئول محترم (با خلط مباحث سیاسی و دینی و عدم تفکیک میان مراتب شناخت در یک اصل و قرائت‌های متضاد آن) با اتخاذ چنین موضعی دوستان نادران و دشمنان غدار را به مصاف آورده و به جنگ خلیب محترم جمعه (مصباح

یزدی) دعوت می‌کنند و به عمد یا غیر عمد (والله اعلم) به دشمن چراغ سبز نشان می‌دهند و موجب تجری آنان می‌شوند». در انتهای این اطلاعیه روحانیت مبارز نوشته است: «عکس‌العین تند مراجع عظام و علما اعلام و طلاب و دانشجویان و قاطبه اهل ایمان در مورد حادثه اخیر هشداری است برای مسئولان محترم نظام که مراقب اوضاع باشند و نگذارند قلوب مومنان بیش از این جریحه‌دار شده و خدای ناکرده دولت را از خود جدا بدانند و بگویند، مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان!»

انتشار این اعلامیه، اعلام جنگ آشکاری بود که اگر درمی‌گرفت، چه بسا سرنوشت موجودیت جمهوری اسلامی را با خطری جدی مواجه می‌ساخت. این اعلامیه، برای آن مقامات عالی‌رتبه‌ای که همواره حفظ جمهوری اسلامی را مقدم بر هر چیزی می‌دانند، بمثابة به صدا در آمدن زنگ خطر بود. به ویژه این که خشم و تنهات و آمادگی نیروهای طرفدار آقای خاتمی برای مقابله با تهاجمی که دیگر روشن بود هدف آن رئیس‌جمهور است، به اوج خود رسیده بود. هاشمی رفسنجانی زودتر از دیگران واکنش

نشان داد و مخالفت خود با این اعلامیه و در واقع رو در رویی آشکار با رئیس‌جمهور در شرایط فعلی را اعلام کرد. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که هر چند هاشمی رفسنجانی عضو جامعه روحانیت مبارز است، اما در جلسات آن شرکت نمی‌کند و اطلاعیه جامعه نیز به رویت او نرسیده بوده است. بعد از او دو نفر دیگر از اعضای این جامعه یعنی جلالی خمینی و حسن روحانی هم «تبری» خود از اعلامیه فوق را اعلام کردند و تقوی سخنگوی جامعه روحانیت مبارز فاش ساخت که این اعلامیه را مهدوی کئی دبیرکل این انجمن شخصاً تهیه کرده است.

خامنه‌ای؛ ایست!

به دنبال این اعلام مخالفت‌ها بود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، مجبور شد وارد میدان شود و در یک حمایت آشکار و بی‌سابقه از رئیس‌جمهور، پیروان محافظه کار خود را از ادامه راه خطرناکی که در پیش گرفته بودند، باز دارد. خامنه‌ای در سخنان خود با اشاره به حملات مستقیمی که علیه خاتمی صورت گرفته بود، و

ار تجاعی خود یعنی مجلس رفتند. □

چگونه به هدف نزدیک تر شدیم!

ملیحه محمدی

انتشار مقالات پی‌درپی رفیق نگهبان در نشریه کار و آکنش‌های بسیاری را در بیرون و درون سازمان برانگیخت، مقالات متعددی نیز در این نشریه، به ارتباط با آن منتشر شد. البته بعضی از این مقالات پاسخ‌گویی به شخص رفیق نگهبان بود و نه پرداختن به مضامین و مباحثی که او طرح کرده بود و این نقص بعضاً به جایی می‌کشید که خواندن آن را از حوصله فرد علاقمند به مباحث طرح‌شده و بی‌اطلاعی از کشش و کوششهای درون رهبری خارج می‌ساخت؛ اما به هر حال هیچ‌یک از نوشته‌های رفقا نبود که بطور کلی حاوی مطالب مضمونی که محور اختلاف نظرهای درون سازمان است نباشد. و به این ترتیب در مجموع این رویداد مثبتی شد که بابت آن باید از رفیق نگهبان علیرغم هرگونه اختلاف نظری سپاسگزار بود. برای من اما از این میان، مقاله رفیق تابان تحت عنوان زیبای «به هدف نزدیک تر شده‌ایم!» از همه قابل استفاده‌تر و تعمق‌برانگیزتر بود، و به راستی انتظار داشتم که واکنشهایی را در حد معینی برانگیزد؛ اما این انتظار من چون پاسخی از جایی نیافت، در صدد برآمدم که به سهم خودم حرکت کنم و بخصوص با این امید که تنها پاسخ‌گویی به رفیق نگهبان و یا ایده‌های او نباشد که توشه راه سازمان برای عزیمت به کنگره شود. در پی این مقصود من به فصل فصل مقاله رفیق تابان همانگونه که خود او تفکیک کرده است می‌پردازم.

بند اول زیر عنوان «یک تذکر» حاوی یک بیزاری‌ست و چندین ادعا؛ و اینگونه آغاز می‌شود: «بحث در مورد تکنیک‌ها و خط مشی سیاسی در سازمان ما متأسفانه چندین سال است با بحث‌های ارزشی و تئوریک در مورد رفرمیسم، انقلاب، اصلاح‌طلبی، رادیکالیسم و موضوعات مشابه آمیخته شده است.» و با همین چند جمله این حیرت را برای امثال من باقی می‌گذارد که این بحث‌ها، ولو به این صورت آمیخته‌اش، در کجای سازمان ما صورت گرفته است؟! از جانب کدامین مدافعان این باورها! در کجاها منعکس شده‌اند!

کدام تلاش تئوریک انجام شده است تا معلوم کنند که سازمان در کجای جنبش تحسول‌طلبانه ایران و در کدام موضوع ایدئولوژیک سیاسی قرار دارد! مریزندی سازمان ما با جنبش کمونیستی جهانی که خاستگاه آن بوده است در پی کدام تلاش تئوریک، و در کدام نوشته‌ها بازتاب یافته است؟ جایگاه آن در سوسیالیسم واقعاً موجود امروز کجاست؟ هم‌اینک و در همین مقاله، جز اشارات بعضاً کنایه‌آمیز رفیق تابان به این مقالات چه داریم؟ اینک و در این مقاله مورد ذکر بر مبنای تعاریف رفیق تابان، رفرمیست‌ها علاوه بر اینکه همه خوبی‌های عالم را به خود و همه «شر» عالم را به دیگران نسبت می‌دهند، چسبانی هستند که «نمونه‌ای از پاکیزه‌طلبی‌های بی‌پایه‌شان این است که مدعی می‌شوند مسالمت‌جویی مختصر رفرمیسم است ... و همسرک رفرمیست نیست لاجرم خشونت‌طلب است.» این بد، و بدترین نوع ادعا علیه مخالفین است! یک ادعای واهی را به آنان نسبت‌دادن و لایذ دفاعیه‌ای در سطحی نازل را چشم‌داشتن! اما نه! هیچ رفرمیستی دفاعی از این مقولات ندارد. و مسالمت‌جویی نباید محور یک بحث مضمونی در مورد رفرمیسم باشد، زیرا که رفرمیسم ملامت باورش تنها مسالمت‌جویی نیست - که آن می‌تواند انگیزه همه عافیت‌طلبان نیز باشد! - بلکه منطق رویدادهاست! رویدادهای تاریخی و مسیر تحولات ماندگار و پویای اجتماعی به رفرمیست‌ها آموخته است که آنچه با تلاش اقتضای وسیع‌تر مردم و با گذار از مسیر آگاهی جمعی به دست بیاید، بنایی پایدارتر و در وجدان اجتماعی ماندگارتر را پی‌ریزی می‌کند! و لاجرم از خطر تعرض قدرت‌ها مصون‌تر می‌ماند. و دوری از خشونت، که آن نیز به خودی خود یک هدف والای انسانی است، از تبعات خرد گزینشی است. ولی باز باید از ایشان بپذیریم که، رفرمیست‌ها برای اثبات این «ادعای بیپوده»، - اختصاص مسالمت‌جویی به خود - «تاریخ زندگی» را از استدلالات خود حذف کرده‌اند و از جمله فراموش کرده‌اند که:

«رفرمیست‌های استخواندارتر» از آنها در جنگ جهانی اول چه کردند! و رفیق تابان توجه نمی‌کنند که اگر حق داشته باشیم که خطای حزب سوسیال‌دمکرات آلمان را - و سپس و به تاسی از آن احزاب سوسیالیست اروپا را - به دلیل برای عدم پایبندی رفرمیست‌ها به مسالمت عنوان کنیم، آن وقت باید «تاریخ زندگی» را بیشتر ورق بزنیم و ببینیم که جناح مقابل این سوسیال‌دمکراسی که با پیوستن به جنگ امپریالیستی به حق مخالفت می‌کرد، اما معتقد بود که باید به جبهه بلشویک‌ها پیوست، - لوکزامبورگ، لیبکنشت و دیگران - اگر در آن فاجعه باند‌های سیاه از میان نمی‌رفتند و زنده

می‌ماندند و پیروزی و استحکام حکومت شوروی را، قربانیان تصفیه‌های حزبی را، بهار پراگ را و لشکرکشی به افغانستان را و در یک کلام دستاورد مشی انقلابی را می‌دیدند، چه می‌گفتند؟ من اما، ایشان را به داشتن ادعاهای «بی‌پایه»، «بیپوده» و مجموعه قابل شمارشی از این القاب - در یک پاراگراف کوتاه - متمم نمی‌کنم اما توجه می‌دهم که واژه‌های «سرنوشتی طلب» و «اصلاح‌طلب»، «مفاهیم ذهنی و خود ساخته» رفرمیست‌ها برای «بحث‌های بیپوده» نیستند - آنگونه که ایشان ادعا کرده‌اند - و موارد استفاده عام‌تری دارند. و یکی دو سطر پائین‌تر از ایشان می‌پذیرم که «انقلابی بودن به تنهایی نمی‌تواند بیانگر هیچ مشی معینی باشد» اما به عنوان یک نقطه ضعف! ولی این ادعای ایشان را مایلم کنکاش کنم که: «رفرمیستی بودن یک خط مشی نمی‌تواند بیانگر جنبه‌های مختلف چنین خط مشی باشد». نخست متد تعریف این دو مقوله را ببینیم که یکسان نیست و از مبنای توضیحی معینی برخوردار نیست! یعنی برای تعریف مشی انقلابی، او تمام ابزار شناسایی را از دست فرد می‌گیرد و می‌گوید که از رویه مشی انقلابی هیچ شناختی نمی‌توان به دست داد؛ و در یک کلام ما با پدیده‌ای روبرو هستیم که هیچ تعینی ندارد و می‌توان هر انتظاری را از آن داشت. این صحیح هم هست و دقیقاً همین است که من آنرا نقطه ضعف می‌بینم. اما بعد ایشان در تعریف خط مشی رفرمیستی از رویه دیگری برخوردار می‌کنند که باز هم صحیح است! یعنی اینجا به درستی می‌گویند که «جنبه‌های مختلف» آن می‌تواند روشن نباشد و این اساساً در تعریف از هر پدیده‌ای نه تنها غلط نیست، بلکه راه گشاست! اگر کاری به نتیجه‌ای که رفیق تابان می‌خواهد بگیرد نداشته باشیم، می‌توانیم این دو جمله را با یک حرف ربط ساده اینگونه بنویسیم: «انقلابی بودن به تنهایی، بیانگر هیچ مشی معینی نیست، اما رفرمیستی بودن یک خط مشی نمی‌تواند جنبه‌های (گوناگون) آن را بیان کند» و بعد می‌توان افزود که: اما رفرمیستی بودن یک خط مشی متضمن بیان اصلی‌ترین وجوه آن مشی است! مثلاً طریق کسب قدرت سیاسی را که از اساسی‌ترین بحث‌های مکاتب گوناگون سیاسی است، تعیین می‌کند و تأکید می‌کند که قدرت سیاسی را نه مثلاً با روش‌های کودتایی و نه مثلاً با انقلابات مسلحانه و نه با توطئه‌های سیاسی، می‌باید به دست آورد، بلکه بر پایه ارتقا سطح آگاهی جمعی از حقوق فردی و اجتماعی، و توسط حزب یا سازمان سیاسی که آرای آگاهانه مردم را نمایندگی کند و این نه تنها برای جلوگیری از خشونت و خون‌ریزی است، بلکه همانطور که گفتیم برای نیهای کردن و بحث‌بازگشت کردن اهداف بدست آمده است.

وجه اساسی دیگری که مشی رفرمیستی مبین واضح آن است، هدف مبارزه است! هدف مبارزه را البته نباید صورت‌بندی حکومت گرفت زیرا که این مقوله به تناسب تغییرات و تحولات محیط اشکال گوناگون به خود می‌گیرد. کمالینکه کوتاه زمانی پیش از این، قابل تصور نبود که مشی انقلابی به منظور رفیق تابان ادعا می‌کند و اسناد سازمان ما هم نشان می‌دهند، خواهان برقراری جمهوری دمکراتیک، بدون مهر طبقه خاصی باشد، هدف مبارزه طولانی جوامع بشری را باید امری عام‌تر و پایدارتر گرفت. هدف مبارزه رفرمیستی انجام اصلاحات در جامعه انسانی است تا همواره تاریخ، اما! همواره بر بستر امکانات موجود و با تلاش همیشگی برای گشایش دائم این امکانات و به این ترتیب هیچ چارچوبی در چارچوبه خود باقی نمی‌ماند. و در مورد ساختار حکومتی نیز مشی رفرمیستی این تضمین کافی و واقعی را می‌بخشد که هدف نهایی برای یک مبارزه رفرمیستی هرگز نمی‌تواند برقراری نوعی از انواع دیکتاتوری باشد! یعنی غیر جدی است که شما بخواهید با مشی رفرمیستی سلطه حزب یا گروه یا طبقه خودتان را برقرار کنید! و این‌ها وجود اساسی و قابل محاسبه در حرکت سیاسی است که به محض آنکه شما بخواهید احتمال وقوع آنها را با احتمال تحریکات انقلابی در هم بیامیزد، اصلیت هر دو این مشی‌ها را زیر پا گذاشته‌اید. و احزاب سوسیال‌دمکرات مورد اشاره ایشان نیز از این قاعده کلی نبود که عدول

کردند یعنی راه رسیدن به قدرت سیاسی را همواره تکیه بر آرای دمکراتیک مردم قرار داده‌اند و هدفشان نیز همواره استقرار یک جمهوری دمکراتیک بوده است. اما اشاره که ایشان در آغاز این مطلب آورده‌اند در واقع باید بحث دنباله‌داری از مدت‌ها پیش آنرا تعیین بخشیده بود! اما همین بیزاری رفیق تابان و بخش وسیعی از نیروهای هر دو طیف سازمان از بحث‌های مشخص اندیشه‌ای، سبب شده است که آنچه رفیق تابان یا مخالفان فکری او می‌گویند در حد اشاره و ادعا باقی بماند و هر تلاشی برای روشنی بخشیدن به مفاهیم اصلی فرهنگ سیاسی، از جانب هر دو نیرو عنوان «بحث‌های بیپوده»، بی پایه ذهنی و خود ساخته» بگیرد! اما آن اشاره ناکافی این است که: «خط مشی سازمان ما به دلیل اهداف رادیکالی که در نظر داشته و دارد خط مشی انقلابی است» و در استدلال این موضوع در واقع برگشته‌اند به این اصل منسوخ که هدف وسیله را توجیه می‌کند! درست است که عیناً همین واژه را به کار نبرده‌اند اما بسیار دقیق‌تر همین را گفته‌اند: «سیاست ما باید با هدفی که پیش روی خود گذاشته‌ایم، یعنی استقرار جمهوری دمکراتیک در کشور، تعیین و تعریف شود. خلاف کسانی که می‌کوشند رسیدن به این هدف را وسیله تقسیم‌بندی و حتی تعیین ماهیت خود و دیگران قرار بدهند». بسیار خوب رفیق تابان! پس اینکه در سازمان هم نیروی رفرمیستی و هم نیروی غیر از آن هدف خود را «استقرار جمهوری دمکراتیک در کشور» قرار داده‌اند، پس طبق تعریف شما نیز در سازمان با یک هدف واحد دو راهکار سیاسی وجود دارد و اینکه ایراد شما به آنها که می‌کوشند به قول شما، چگونگی رسیدن به این هدف را وسیله تعریف خود و دیگران قرار بدهند، آیا این نیست که چرا نمی‌گذارند شما این کار را بکنید؟ شما این تفاوت‌ها را تعیین کنید و آن گروهی را با آن مشخصات و اعتقادات که شمرید معرفی کنید؟! شما آغاز این بند را با تاسفی آغاز کردید که مورد استنادش اساساً وجود نداشت، در حالی که نکته واقعا تاسف‌آور در قسمت‌های پایانی این بند بروز می‌کند آنجا که شما از اینکه قرار باشد «مبارزه با خشونت» معیار ارزش‌گذاری نیروها و مبنای مناسبات آنها با یکدیگر قرار بگیرد، نگران شده‌اید! ای کاش این نگرانی شما مورد داشت؛ و ای کاش چنین بود، و واقعا و اساساً در جامعه گرفتار خشونت ما، از پس این دوران طولانی که خشونت سلطه همه‌جانبه داشته است، دورانی فرا رسیده باشد که «معیار و مبنای ارزش‌گذاری و مناسبات» مبارزه با خشونت باشد! زیرا سطور پایانی این بند از نوشته شما نیز گرچه در تناقض آشکار با این دل‌نگرانی ششامست اما بسیار صحیح می‌گوید: «مهمترین شکاف امروز در جامعه ما، شکاف میان طرفداران دمکراسی و دیکتاتوری و مهم‌ترین صفت‌بندی نیز صفت‌بندی میان طرفداران دمکراسی و دیکتاتوری است و نه چیزی دیگر!» این البته دقیق است، اما شما سوال می‌آفرینید!

مگر دیکتاتوری اوج خشونت نیست و مگر شما در مقابل آن صفت‌بندی نکرده‌اید؟ پس چرا در مقابل آن صفت‌بندی نکرده‌اید؟ پس چرا مستاسفید که مبارزه با خشونت «معیار ارزش‌گذاری ... قرار بگیرد»؟ این بزرگترین موفقیت جنبش دمکراتیک است، اگر به دست بیاید! و پس از آن است که شما می‌توانید برای برقراری آرمان‌ها تا آن آسوده‌تر مبارزه کنید. و متأسفانه یا خوشبختانه در جهان امروز «چگونگی رسیدن به هدف» تنها تابع بی‌معنایی از هدف نیست و ابزار و اصول آن اهمیتی کمتر از خود هدف ندارد! یک جمهوری پارلمانی مدرن در پی حفظ قدرت خود است و جمهوری اسلامی نیز. اما آنها از دو راه این هدف را دنبال می‌کنند. به همین علت است که مردم از جمهوری اسلامی به جمهوری آلمان یا فرانسه یا پادشاهی سوئد پناهنده می‌شوند و علی‌الاصول از طالبان به جمهوری اسلامی می‌گریزند!

دمکراتیک بود که در کنگره پنجم تغییراتی در آن وارد شد، اما اصل آن، یعنی جایگزینی حکومت دمکراتیک با حکومت اسلامی بر جای خود باقی ماند، و ای کاش باز بحث‌های کافی و راهگشا صورت گرفته و معلوم کرده بود که در روند رو به رشد تاریخ و فرهنگ سیاسی، چرا پایان دادن فرع قرار می‌گیرد و اصل، استقرار دمکراسی می‌شود! چرا اشرناتیوسازی از دستور خارج می‌شود و «بزرگترین شکاف، شکاف میان طرفداران دمکراسی و دیکتاتوری» می‌شود! باری و به هر دلیل، این یک حرکت به جلو و همراهی با جوهر و منطق رویدادهاست و مبارک است. اما همینجا و بلافاصله یک نتیجه‌گیری غلط بر مبنای یک بی‌توجهی تاریخی صورت می‌گیرد. رفیق تابان شاید در توجیه سیاست قبلی مبتنی بر براندازی ما، می‌خواهد بگوید که ما هیچگاه خلاف حرکت عمومی جامعه نبوده‌ایم و می‌گویند که در سال‌هایی که ما با سیاست براندازی‌مان مشغول بوده‌ایم مردم و جامعه نیز به همین امر پرداخته بودند. او می‌نویسد: «حوادث این سال‌ها (۶۹ تا ۷۶) تماماً در جهت همین ارزیابی سیر می‌کرد و جنبش‌های خودبه‌خودی و نیمه آگاهانه مردم، نه متوجه این یا آن بخش از حکومت، یا ایجاد اصلاحات معین در چارچوبه آن، که علیه تمامیت آن بود». در حالی که رشد نسبی شرکت مردم در انتخابات مجلس چهارم و حمایت اقتضای میانی جامعه و امید بستن به اصلاحات هاشمی رفسنجانی، و پس از آن شرکت باز وسیع‌تر مردم در انتخابات مجلس پنجم، و سرانجام تدارک آرام و بطنی دوم خرداد، نشانه‌های آشکار نادرست‌بودن این تحلیل است. در این فاصله زمانی که ایشان شمرده‌اند قریب چهل شکل غیر دولتی زنان، حدود بیست‌هفت کانون مستقل حمایت از حقوق کودکان، دهها تشکل جدید صنفی و دهها نشریه دگراندیش متولد شده‌اند و همه اینها در مجموع سیمای جامعه‌ای را ترسیم می‌کنند که نه مشغول براندازی که در کار اصلاحات است. البته حرکات اعتراضی حتی در اشکال خشن یا به خشونت کشانده شده در شهرها و مناطقی از ایران روی می‌دهد که درست به همین دلیل که جو عمومی جامعه خواهان خشونت و فداکردن برای به‌دست آوردن نیست، در همان مراحل آغازین خود بدون دستیابی به کمترین موفقیتی مستوقف شده است و البته با سرکوب که آسوده‌ترین و موثرترین پاسخ همه دیکتاتوری‌هاست!

و نکته مهم دیگر که مسئله مرکزی این بخش از مقاله ایشان است، اینکه ایشان برخلاف اتهام دائمی که به اصلاح‌طلبان در مورد متکی بودن رهنمودها به تغییرات درون حاکمیت دارند، خود گرفتار این پدیده هستند و این تغییرات مثبت درون دیدگاه‌ها و تحلیل‌های سازمان را ناشی از تغییرات (آن هم خود به خودی) درون حاکمیت ارزیابی می‌کنند! این شکفتی آور است که رفیق تابان می‌نویسد: «اگر این حقیقتی است که پیشبرد رفرم، رفرمیست می‌خواهد، باید دید که این رفرمیست‌ها در حکومت جمهوری اسلامی چه کسانی بودند». آری رفیق تابان! پیشبرد رفرم، رفرمیست می‌خواهد، اما ابتدا در جامعه و نه در حکومت! پیش‌شرط حضور رفرمیست در حاکمیت وجود مبارزه رفرمیستی در جامعه است و این حقیقتی که امروز شما به درستی به آن اشاره می‌کنید به دست نمی‌آید اگر نیروهایی در جامعه ایران به مبارزه رفرمیستی اعتقاد نداشتند و تحت هرگونه شرایطی برای آن مبارزه نکرده بودند،

زیرا که رفرمیسم یک شیوه مبارزه است و نه یک شیوه حکومت و همانطور که شما بهتر از من می‌دانید، این صحیح نیست که مبارزه‌ای را منوط به وجود همراهان آن در حکومت بکنیم. همانگونه که انقلابیون مبارزه می‌کنند تا مگر انقلابیون را به حکومت بفرستند. و سوی دیگر تحلیل شما این است که شما می‌گویید تا زمانی که رفرمیست‌های داخل ایران نتوانسته بودند تأثیری بر حکومت بگذارند ما حق داشتیم که براندازی را تبلیغ کنیم و اینکه که حاصل تلاش آنها به بار نشست است ما می‌توانیم باورشان کنیم. و اصلاً نمی‌گویید که چرا ما در مبارزه پیروزی که آنان پی گرفته بودند همراهشان نبودیم!

مسئله دیگری که در این قسمت از مطلب رفیق تابان برای من الزام به گفتار را ایجاد می‌کند این اشاره مکرری است که در سازمان ما سالیهاست به دوران هاشمی رفسنجانی و احتمالاً توهماتی که او برانگیخته باشد بر می‌گردد. برای من روشن نیست که رفیق نگهبان چه برداشتی از سیاست و نقش هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس جمهور داشته است. من اما ایمان دارم که ریاست جمهوری رفسنجانی حتی اگر تنها به خاطر ادعاهایی که قدرت و حتی خواست انجام آنها را هم نداشت - ولی به هر ترتیب در جامعه جاری شد - به علت لیبرالیسمی که او البته تنها از جهت اقتصادی به آن نظر داشت، اتفاقی مثبت و لازم در مسیر حرکتی بود که جامعه ایران در کلیت خود طی کرد! بدون گذار از لیبرالیسم بدوی هاشمی رفسنجانی گذار از دوره خامنه‌ای به خاتمی امکان نداشت! اگر بعد از ریاست جمهوری خامنه‌ای مثلا یزدی یا ریشتری را داشتیم، در نهایت امروز نوبت رفسنجانی بود!

بخش سوم تحت عنوان «اشتباه ما» باز هم حیرت‌انگیز است! رفیق تابان صحبت از «جناح چپ حکومت که با اندیشه‌های نو به حکومت بازگشته بود» می‌کند. آیا به صرف حضور خاتمی در وزارت ارشاد که با آنچنان اقلیتی مطلق مواجه بود که ناگزیر به استعفا شد، حکومت جناح چپی داشت که از آن کنار رفته و یا کنار گذاشته شده بود و اینکه به آن بازگشت می‌کرد؟ نگاه کنیم به این استدلال عجیب: «... این امکان زمانی پدیدار شد که جناح چپ حکومت با اندیشه‌هایی نسبتاً نو بار دیگر به عرصه سیاست بازگشت و مورد تأیید بخشی از مردم بویژه دانشجویان قرار گرفت». رفیق تابان! این جناح در یک رفت و برگشت ارادی اصلاح‌طلبان تین و توضیح نیست! به صرف وجود خاتمی به عنوان وزیر ارشاد، شما نمی‌توانید صحبت از رفت و برگشت یک نیرو در حاکمیت بکنید. این نیرو در بازگشت خود «به استقبال مردم و دانشجویان» مواجه نشد، بلکه بازگشت او حاصل کار سخت و سازنده مردمی بود که فعالیت سیاسی را به پای صندوق‌های رای کشانده بودند! مردمی عبرت‌آموخته از سقوط یک شبه و ظهور یک شبه! این جریان به «عرصه سیاست» به قول شما بازگشت، زیرا نیرویی سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر شرایط بازگشت او را فراهم کرده بود. نیروی معتقد به استخانات هرچند ضعیف، هرچند کمتر دمکراتیک! این نیرو در انتخابات مجلس چهارم کمیته که تولید کیفیت کند نداشت، اما بر شیوه خود اصرار ورزید: در انتخابات مجلس پنجم نیروی بیشتری از مخالفان دیکتاتوری و علاقمندان به آزادی را به پای صندوق‌ها کشاند و باز هم اما در اقلیت بود و سرانجام او توانست دوم خرداد را بیافریند که دو سال و اندی است که به تفسیر آن مشغولیم و هنوز گرفتار این هستیم که شما بگویید تحریم دوم خرداد صحیح نبود اما ما نباید بدون تضمین کافی برای فعالیت آزادانه احزاب از سوی آقای خاتمی رای‌مان را به او می‌دادیم!

رفیق تابان هم‌اینک و هم امروز نیز با اینکه انتخاب خاتمی مورد تأیید تقریباً همه اپوزیسیون واقع‌بین قرار گرفته است، خاتمی قادر نیست به شما برای فعالیت قانونی احزاب تضمین بدهد، چه برسد به فعالیت آزاد!

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:

نشانی: Address:

فرم را همراه با پهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس پست کنید!

وضع کنونی و دورنماها

ادامه از صفحه ۱۲

است. از لحاظ عملی دلیل علاقه انگلیس در پایان قرن گذشته و آغاز قرن کنونی را می‌توان در آثار استراتژی‌هایی همچون هالترود مکیندر و ماهان یافت. تصادفی نیست که طی دوره‌های طولانی این منطقه و بویژه کشور ما محل تاخت و تازهای دو قدرت انگلیس و روس بوده، و باز هم تصادفی نیست که در برنامه قدرتهای رقیب این دو قطب قدرت، منطقه قفقاز، آسیای میانه و خلیج فارس جای ویژه‌ای داشته است. تلاش دولت آلمان برای نفوذ در دستگاه‌های حکومتی ایران در دوران جنگ جهانی اول و سپس تلاش جهت ایجاد راه‌آهن بسفاد (۱۹۱۲) نمونه‌وار است.

در دوران جنگ دوم جهانی نیز تصرف قفقاز یکی از طرح‌های اصلی آلمان نازی را تشکیل می‌داد. تبدیل ایران به «پل پیروزی» و سپس حضور سه قدرت برتر بین‌المللی در دوران جنگ دوم جهانی را نیز در همین چارچوب می‌توان ارزیابی کرد. کنفرانس یالتا و آغاز جنگ سرد ابعاد جدیدی به این کشاکش‌های بین‌المللی بخشید. از یکسو قدرت‌های متکی بر نیروی تازه‌نفس امپریالیسم آمریکا در پیگیری سیاست‌های کهن ژئوپلیتیک، از جمله کشیدن کریند امنیتی بدور «اتحاد شوروی» و «کنترل بر منابع انرژی خلیج فارس» گام‌های مهمی برداشتند. سيطرة خود در این منطقه را گسترش دادند. نمونه‌هایی از سیاست انگلوساکنون عبارت است از: کودتا علیه دکتر مصدق، حمایت از دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی منطقه، باوراندن الزامات امنیتی ماورا اقیانوس به این دولت‌ها و نیروها به‌شماره الزامات امنیتی خودشان و به تبع آن کشاندن این نیروها به پیمانهای نظامی، نفوذ در ساختار دفاعی کشورهای منطقه، حمایت از سرکوب هر جنبش دموکراتیک در این کشورها، نابودسازی ساختار اقتصاد این کشورها به کمک طرح‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به منظور محتاج نگه‌داشتن این کشورها بخود.

از سوی دیگر عظمت طلبان روس با خفه کردن آرمانهای انقلاب اکتبر و در ادامه سیاست تزارها، منتهی این بار زیر پوشش ایدئولوژیک، با تمام قوا کوشیدند که دایره نفوذ خود در خلیج فارس و خاورمیانه را گسترش بخشند و بدین ترتیب با دستیابی به راه‌های آبی جنوب - که بر خلاف شمال مرزهای روسیه بی‌خزده و بسته نیست - خود را از محاصره نجات دهند. نمونه‌ای از سیاست روسها عبارتست از: سو استفاده از خواستهای برحق اقوام ایرانی بمنظور ایجاد پایگاه نفوذ در این حمایت از حکومت‌های توتالیتری که به آنها روی می‌آوردند، نظیر سوریه، عراق لیبی، اشغال خاک افغانستان به بهانه «کسک‌های انترناسیونالیستی»، تقویت گرایش‌های جدایی طلبانه در برخی کشورهای منطقه، فروپاشی نظام شوروی و پایان جنگ سرد بر خلاف نظر برخی تحلیل‌گران نه تنها از اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس نکاست، بلکه جنگ خلیج فارس از منافع ثابت و تغییرناپذیر قطب انگلیس و ایالات متحده آمریکا در این منطقه حکایت می‌کند.

تلاش قدرتهای اروپایی مانند فرانسه، آلمان، ایتالیا، و روسیه برای پیدا کردن جای پای در این منطقه نیز تأکید بر اهمیت استراتژیک این حوزه جغرافیایی است. حضور گسترده نظامی ایالات متحده و انگلیس در خلیج فارس و تسلط آنها بر این منطقه که هر از گاهی از طریق نمایش سلاجهای مدرن و بمباران عراق به جهانیان گوشزد می‌شود، حکایت از آن دارد که دغدغه اصلی قطب انگلیس - ایالات متحده، آمریکا پس از پایان جنگ سرد کسب سرکردگی جهانی در برابر سایر رقیبان اروپایی و ژاپنی است. چنین نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا و انگلیس با اشغال نظامی خلیج فارس - بزرگترین مخزن انرژی دنیا - از طریق کنترل قیمت مواد انرژی‌زا، سنگ‌اندازی بر سر راه بازاری بزرگترین راه خشکی روی زمین - یعنی جاده ابریشم - و پس‌راندن غول زمین‌خورد روسیه از آسیای میانه و قفقاز، می‌خواهند با تمام قوا از تبدیل شدن رقیبان اروپایی و به غیر اروپایی به قدرت برتر جهانی و یا قدرت همسنگ خود جلوگیری کنند. در چنین شرایطی هرگونه پیمان و همکاری منطقه‌ای اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا نظامی که منافع قطب انگلوساکنون را به‌خطر اندازد، با کار شکنی و ایجاد مزاحمت از سوی این قطب مواجه می‌شود. ناموفق بودن همکاری‌های کشورهای حوزه دریایی خزر، ساقط کردن دولت اربکان در ترکیه - که از جمله بر خلاف میل ایالات متحده آمریکا قرارداد انتقال گاز با ایران را انعقاد کرد - کشاندن ترکیه به پیمان نظامی با اسرائیل، حمایت از طالبان در افغانستان نمونه‌های روشن چنین سنگ‌اندازی‌های فرامنطقه‌ای است.

ب- تضادهای منطقه‌ای
پس از پیروزی انقلاب در ایران و حذف رژیم شاه بمشابه حافظ منافع غرب و در وهله اول ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس، خلا قدرت در منطقه پدید آمد. فروپاشی شوروی و ایجاد جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز بر دامنه این خلا افزود. یکی از پیامدهای طبیعی این خلا اوج‌گیری رقابتها بین

کشورهای این منطقه بود - که تا پیش از آن تحت تأثیر میدان رپایش نیرومند دوقطبی به این یا آن قطب نزدیکی می‌کردند.

وضعیت موجود زمینه مساعدی برای برخی کشورهای منطقه پدید آورده است که از راه همسویی با این یا آن قطب در صد تحقق آن طرح‌ها و نقشه‌هایی برآیند که در فضای جنگ سرد وجود داشت. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱) عراق: حاکمان این کشور که سودای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراندند، پس از پیروزی انقلاب در ایران و پیش از پایان جنگ سرد کوشیدند به این آرزوی خود جامه عمل بپوشانند. آنها از طریق جلب حمایت محافل امپریالیستی بویژه امپریالیسم آمریکا با حمله با خاک ایران اهداف چندگانه‌ای را تعقیب می‌کردند: از یکسو قصد داشتند که با جداسازی مناطق نفت‌خیز ایران به ثروتی عظیم دست‌یابند و نقشه دیرینه خود مبنی بر گسترش حضور خویش در خلیج فارس تحقق بخشند و به این ترتیب با تجدید نظر در مرزهای جغرافیایی از تگنای ژئوپلیتیک کنونی خلاصی یابند؛ از سوی دیگر با نشان دادن قدرت نظامی خود به سایر کشورهای عربی آنان را بزیبر پرچم رهبری خویش بکشند. در ضمن آنها می‌خواستند از طریق یک پیروزی سریع بر ایران رزمی‌های روحی شکست خود در درگیری‌های نظامی - که به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ختم شد - را نیز التیام بخشند.

بی‌فرجام ماندن جنگ ایران و عراق، بدهکاری هنگفت عراق به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و فشار آنها به این کشور برای پرداخت بدهی‌ها، حاکمان عراق را بر آن داشت که برای حل مشکلات داخلی، غلبه بر ضعف ژئوپلیتیک این کشور - مبنی بر دستیابی محدود به آسیای بین‌المللی - و نیل بر رهبری جهان عرب، مسیر دیگری را برگزینند؛ یعنی حمله به کویت و احتمالاً عربستان.

سیاست‌های عظمت‌طلبانه عراق در نهایت منجر به کنترل نظامی قطب انگلوساکنون بر منطقه، مسابقه تسلیحاتی و ایجاد جو سولن و تشنج که مانع هر نوع همکاری در این منطقه است، شد.

۲) ترکیه: این کشور پس از پایان جنگ سرد دست به تلاش وسیعی زد تا با دست یافتن بر سروری منطقه‌ای بحرانی‌های مزمن خلیج فارس را تسخیر کند. سه‌جانبه منظور از شورای همکاری کشورهای جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز سیاست‌گذاران ترک کوشیدند از طریق همسویی با سیاست نوین ایالات متحده آمریکا در برابر این جمهوری‌های نوپا، از یکسو بر اعتبار استراتژیک ترکیه در چشم سیاست‌پردازان آمریکایی بیفزایند و از سوی دیگر به نقشه‌های پان‌ترکی خود جامه عمل بپوشانند. یکی از مشکلات بزرگ این کشور، بحران هویت است. ساکنان ترک ترکیه امروز بر سر چند راهه تصمیم‌گیری در مورد هویت کنشورشان قرار گرفته‌اند. آنها از یکسو می‌خواهند با ورود به اتحادیه اروپا وارد «باشگاه کشورهای پیشرفته» شوند. از سوی دیگر نمی‌خواهند که جایگاه خود را در میان کشورهای اسلامی از دست بدهند؛ از یکسو می‌خواهند بعنوان پیرو «دموکراسی غربی» در محافل بین‌المللی شناخته شوند، از سوی دیگر به خشن‌ترین شیوه‌ها در سیاست داخلی خود متوسل می‌شوند؛ از یکسو تلاش دارند که در قطب قدرت (اروپا) - که از لحاظ سیاسی در حال شکل‌گیری است - سهمی داشته باشند، از سوی دیگر از راه همسویی با سیاست‌های استراتژیک ایالات متحده در خاورمیانه نوین به تقابل با سیاست‌های بین‌المللی قطب «اروپا» محسور» می‌پردازند. حاصل این بلا تکلیفی و بی‌هویتی مناسبات تیره و سرد این کشور با اکثر قریب به تمامی همسایگانش و آشفتگی فضای منطقه است. لشکرکشی‌های گاه و بیگاه ترکیه به عراق، سد سازی بر روی رودهای دجله و فرات و بستن آب بر روی سوریه، مناسبات تیره تاریخی با ارمنستان، دشمنی دیرینه با یونان و بخش‌هایی نشین قبرس، تیرگی روابط با بلغارستان بر سر مسئله مسلمانان این کشور، کشمکش‌های گاه و بیگاه با ایران، تلاش برای پیشبرد سیاست پان‌ترکی در جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز و در نتیجه تبدیل این منطقه به عرصه رقابت ناسالم بجای همکاری توسعه‌آمیز، گوشه‌هایی از سیاست‌های فته‌انگیز سیاست‌پردازان ترکیه است.

انزوای این کشور در میان همسایگانش تا حدی است که سیاستمداران ترکیه برای خروج از این وضعیت و نیز حل مسئله قوم کرد در این کشور و اعمال اتوریته منطقه‌ای به پیمان نظامی با اسرائیل روی آورده‌اند؛ نکته‌ای که از لحاظ استراتژیک مایه نگرانی ایران و کشورهای عربی منطقه را فراهم آورده و فضای منطقه را متشنج‌تر از آنچه که هست نموده. این سیاست بر رابطه ایران و ترکیه سایه افکنده، که در نهایت پیمان اکو نیز از پیامدهای آن مبری نیست.

۳) پاکستان: سیاست خارجی این کشور پیش از هر چیز متأثر از جنگ سرد و گاه گرم با هندوستان است که از چندین دهه به این سو جریان دارد. ایجاد پایگاه برای نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا،

نزدیکی به قطب انگلوساکنون و پیوستن به پیمان‌های نظامی دیکته شده از سوی این قطب نظیر ستو، مداخله مستقیم نظامی در افغانستان، تولید سلاح هسته‌ای و غیره نیز از جمله در همین رابطه قابل تفسیر است. یکی از هدفهای مهم استراتژیک پاکستان دستیابی به «عمق ژئوپلیتیک» در رقابت با هندوستان است. پرورش طالبان و دست‌اندازی به افغانستان از جمله با همین نیت صورت گرفته و می‌گیرد. هدف دیگر پاکستان از این عمل، دستیابی به بازارهای کشورهای آسیای میانه و از این طریق ایجاد راه‌های بازرگانی و کالارسانی شمالی - جنوبی است؛ و این دقیقاً در انطباق با سیاست قدرت در ریاستی انگلوساکنون است. چنین مستگیری استراتژیک پاکستان، بویژه دست‌اندازی‌های اخیر این کشور به افغانستان بدلیل به‌خطر انداختن منافع راهبردی ایران، کشورهای آسیای میانه و هندوستان، حساسیت کشورهای نامبرده را برانگیخته، بگونه‌ای که همکاری این کشورها (منتهای هندوستان) با پاکستان را در چارچوب اکو زیر علامت سوال برده است.

۴) عربستان سعودی: پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی در کشور ما، حاکمان کشورهای خلیج فارس که سیستم‌های سیاسی عقب‌مانده خود را تحت تأثیر انقلاب ایران در خطر می‌دیدند، به مقابله با انقلاب ایران برخاستند. صد البته سیاست‌های نابخردانه حکومت اسلامی ایران - که در جای خود بررسی شد - به این سزیدجویی‌ها میدان داده است. ایجاد شورای همکاری خلیج فارس، حمایت مالی و نظامی از صدام حسین در جنگ با ایران، سرمایه‌گذاری هنگفت بمنظور ترویج مذهب وهابی در برابر شیعه در کشورهای اسلامی و بویژه در جمهوری‌های آسیای میانه، قفقاز، افغانستان و پاکستان، رفتن بزیر چتر حمایت نظامی ایالات متحده آمریکا و انگلیس از جمله این اقدام‌های مقابله‌آمیز است.

عربستان سعودی پس از پیدایش خلا قدرت در خلیج فارس همواره کوشیده است از طریق همسویی با آمریکا و انگلیس بمنظور تحقق بخشی سیاست‌های استراتژیک‌اش در این منطقه، امنیت خود را تأمین کند. اشغال چند ساعت کویت بوسیله عراق نشان داد که دغدغه‌های امنیتی حاکمان عربستان سعودی به پیرایه نیست. در حال حاضر عربستان سعودی به تندی برپا برای پیشبرد نقشه‌های ژئوپلیتیک قطب ایالات متحده و نیز انگلیس بدل شده است. در همین راستا عربستان سعودی با تجاوز گاه و بیگاه به خاک یمن در تلاش برای ایجاد دلانی جهت کشیدن لوله‌های نفت از خلیج فارس به دریای سرخ است. تا به این وسیله گریبان خود را از چنگ ایران در خلیج فارس در صورت بروز یک بحران احتمالی رهایی بخشد. بعلاوه این کشور فعالانه در امر مسجاسازی، اعزام روحانی و فرستادن کتابهای مذهبی به جمهوری‌های نوپید آسیای میانه شرکت دارد. یکی از مشکلات اساسی عربستان سعودی و شرکت‌های فراملی مستقر در این کشور، نبود راه مستقیم از عربستان به جمهوری‌های نامبرده است. مسدود بودن مسیر ارتباط با این جمهوری‌ها از راه ایران (بخاطر اختلاف‌های سیاسی و استراتژیک)، و نیز ناممکن بودن این ارتباط با این جمهوری‌ها از طریق عراق و ترکیه (بخاطر تشنج روابط عربستان و عراق)، موجب شده که تنها مسیر پاکستان - افغانستان برای عربستان سعودی مطرح باشد. حمایت مالی این کشور از طالبان و همکاری با دولت پاکستان جهت مسلط کردن طالبان بر افغانستان را از جمله از این زاویه می‌توان ارزیابی کرد. هرچند مدتی است که بین سیاست‌های عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا اختلاف زاویه‌هایی پدید آمده ولی این اختلاف هنوز تا آن حد نیست که بتوان از چرخش در استراتژی سیاسی عربستان سعودی سخن گفت.

در مجموع سیاست‌های عربستان سعودی به مسابقه تسلیحاتی و ترویج تعصب مذهبی در منطقه بجای همکاری منطقه‌ای دامن می‌زند.

ادامه دارد
زیرنویس‌ها:
۱۲ - نماز جمعه تهران، صدای جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۹/۱۶. بدیهی است که در اینجا آقای کنی بزرگترین بخش از این «قدرت» را سهم حکومت خودشان می‌دانند.
۱۳ - کتاب «ولی قیبه»، آیت‌الله خمینی، ص. ۳۶.
۱۴ - همانجا، ص. ۱۸.
۱۵ - این میلیون‌ها دلار خسارت شامل دادن نفت مجانی به سوریه، حمایت از گروه‌های اسلامی در کشورهای مختلف، تریب دادن «کنفرانس‌های مختلف با حضور آنان»
۱۶ - روزنامه اطلاعات ۱۳۷۰/۴/۹.
۱۷ - تنها در سال ۱۹۹۳ عربستان سعودی ۱۳/۱٪، کویت ۱۲/۱٪، عمان ۱۵/۳٪ و امارات متحده عربی بیش از ۱۰٪ درآمد ناخالص ملی خود را به هزینه‌های نظامی اختصاص داده‌اند. (نشریه میدل ایست اکونومیک دایجست، لندن، ۹ دسامبر ۱۹۹۴).
۱۸ - روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۱۱/۲.
۱۹ - صدای جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۱۱/۲.

اعلامیه ضد دولت را

از روی ستون روزنامه‌ها می‌نویسند!

جمهوری چه چاپ می‌رساند که در آن تصریح شده بود «آقای خاتمی! حزب الله حجت را بر شما تمام کرده، دست به کار شوید که فردا دیر است. در غیر این صورت حزب‌الله به وظیفه خود عمل خواهد کرد.» اینک این گروه‌ها چگونه می‌خواستند به وظیفه خود «عمل» کنند، هنوز آشکار نبود. باید مشخص می‌شد این آتش تهیه تبلیغاتی تا چه عمقی از جبهه دوم خرداد را نابود خواهد کرد تا بعد مشخص شود میزان پیشروی گروه‌های ناشناخته و «تمام کردن حجت» چقدر باید باشد.

برای آنکه آتش تهیه خیلی عالی و موثر باشد، باید مهمترین تشکل ضد خاتمی باتمامی توان به میدان می‌آمد و آخرین ساخته کارخانه تسلیحاتی خود را از انبار بیرون می‌کشید. باید اعلامیه‌ای صادر می‌شد که محل فرود اتهامات آن را درست در میانه کاخ ریاست جمهوری قرار می‌دادند. اعلامیه صادر شده، جامعه را از اینکه چگونه یک تشکل عمده روحانی آماده است عطش خود را برای تخریب رقیب سیاسی خود با هر مایع مشکوک فرو نشانند در حیرت فرو برد و در نهایت آشکار شد این مایع مشکوک که در روزهای بعد به مبنایی برای اعلام تشست و انشعاب احتمالی تبدیل شد، مشکوک‌تر از آن است که پنداشته می‌شد.

ملات

اعلامیه‌ای که گفته می‌شد فقط توسط یک نفر تهیه شده است، از ستون‌های مشکوک روزنامه‌ها استخراج شده بود. نمایشنامه کاملاً تخیلی تک پرده‌ای: یک دشت تیز می‌خواهم فرقی نمی‌کند ساخت کجا! زمان: چهارم مهر ماه - مکان: دفتر یک جامعه سیاسی با حضور رئیس جامعه و یکی از اعضا که برای کتابت پشت میزی نشسته است. چند عضو دیگر جامعه نیز حضور دارند و آقای رئیس که کیهان سوم مهر را در دست دارد، در طول و عرض صحنه قدم می‌زند. رئیس: اینهایی را که می‌گویم بنویس... عضو قلم به‌دست: می‌خواهید از روی کیهان بخواهید؟

مگر اشکالی دارد، ستون خوانندگان آن نویسندگان چیره‌دستی دارد. نیاز ما را برطرف می‌کند. بنویس! اینهاش این یکی خوبه: «تا کی باید سکوت کرد؟»، نه، «باید» را بکن «می‌توان». تا کی می‌توان سکوت کرد... همه چیزمان را به‌سخره گرفته‌اند. نه آن «مان» را خط بزن. «همه چیز را به‌سخره گرفته‌اند... خوشی؟»
ولی این طوری درست نمی‌شود. یکی موضوع را می‌فهمد. آبرویمان می‌رود. - توق فقط بنویس. روی حرف من حرف نزن!

یکی از پنج نفری که بالاخره با صدور اعلامیه موافقت نخواهند کرد: آقا این چه کاریست، مگر ما باید از روی دست کیهان اعلامیه بدیم. آن هم اعلامیه بد این مهمی؟ - شما کارتان نباشد. تو هم فقط بنویس: «همه چیز را به‌سخره گرفته‌اند. انقلابمان را، امامان را، شهیدانمان...»، نه این جمله را خط بزن. خیلی بی‌ربط است. جمله بعدی بهتره: «می‌گویند نباید به نام دین آزادی به خطر بیفتد...»

این یکی را تغییر می‌دهی؟ - نه، خودش خوبه. ادامه بده. بنویس: «اما اگر به‌اسم آزادی دینمان و اعتقادمان را و ایمانمان را گرفتند چه؟»، نه، این طور بنویس. بنویس «اما اگر به‌اسم آزادی، دینمان و اعتقادمان و مقدساتمان باز چه دست این و آن قرار گیرد، چه؟»
این هم که همان است!
- نه، خیلی فرق دارد. «ایمان» را کردم «مقدسات». «گرفتند» را هم کردم «باز چه دست این و آن». تو بنویس و کاریت نباشد. فکر می‌کنی همه مثل تو عقلمان می‌رسد، با یک مشت آدم نفهم طریق...
(بدعلت وحشت نمایشنامه‌نویس از تطابق احتمالی نمایش با واقعیت و خودداری‌اش از

ادامه نوشتن، مشخص نمی‌شود پنج نفر مخالف صدور بیانیه در این نقطه از ماجرا اعلام کردند با صدور اعلامیه مخالفند و یا پس از آنکه فهمیدند همه این کیهان‌خوانی، مقدمه آن است که بزرگترین حمله لفظی به رئیس‌جمهوری صورت بگیرد، راهشان را از آقای رئیس جدا کردند. حداقل امروز دیگر توانایی نوشتن بقیه نمایش وجود ندارد. تا فردا شاید.)

ادامه از صفحه ۶

دوم خرداد مورد استفاده قرار داده بودند، خودداری نمی‌کردند. روزنامه‌های عصر روز شنبه پسر بود از تحریک علیه دولت و گروه‌های دوم خرداد. در میان این تحریک‌ها، یک پیام در میان ستون کیهان و خوانندگان وجود داشت با امضای مادر یک شهید و با آغاز «تا کی باید سکوت کرد؟»، که موضوع و ستاره گزارش ماست. تلاش کرده‌ایم مشخص کنیم به چه علت یکی از تشکل‌های مهم سیاسی، بخش‌هایی از اعلامیه جنرال‌برانگیز و اخیر خود را علیه رئیس‌جمهور از بین مطالب ستون تلفنی کیهان فراهم می‌کند. کندوکاوی است که به‌رحمت آن می‌ارزد.

تدارک یک حمله

روز شنبه فقط روزنامه‌ها مشتاق اعلام مخالفت خود با دولت خاتمی به‌خاطر آنکه گویا دانشجویی در میان خیل دانشجویان مومن کشور «ناکار» از کار درآمده است، نبودند. برخی گروه‌های سیاسی فرصت به‌دست آمده را بهترین فرصت برای تسویه حساب با وزیر ارشاد و رئیس او تشخیص می‌دادند. آنها نیز باید به صحنه می‌آمدند... چند تن از اعاضد حوزه علمیه قم که از طریق مراجعه اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر (همان انجمنی که داستان موهن در نشریه آن چاپ شده بود)، در جریان تدارک سران جناح رقیب دولت برای تبدیل ماجرا به یک بحران ضدثبات علیه دولت قرار گرفته بودند، یا اصلاح موضع کردند و یا نسبت به‌امکان سواستفاده هشدار دادند. آیت‌الله نسوری‌همدانی پس از انتشار اعلامیه‌ای پوزش‌خواهانه از سوی انجمن اسلامی یادشده و مراجعه اعضای انجمن به وی برای توضیح، در پاسخی مکتوب در مورد بیانیه صادره خود نوشت: «در بیانیه‌ای که از طرف طرف صادر شده است چنانکه ملاحظه می‌کنید عبارت «واکنش» به این معنی که تنش و تشنج به وجود بیاید نیست...»

آتش تهیه

اما روزنامه‌های رسالت و کیهان که مانند سرداران از همه چیز گذشته لشگرهای جنگ صلیبی پرچم به دوش انداخته و بر توسن تازه یافته خود به قلب دشمن (جبهه دوم خرداد) تاخته بودند، از چاپ این اعلامیه خودداری کردند. علتی کاملاً واضح داشت. پاسخ یاد شده آبی بود بر آتش و آنان به بتزین نیاز داشتند. با این وضع، طبیعی است که صدای اعلامیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در محکومیت مطلب موهنی که اکنون عنوان «موج» گرفته بود، اصلاً به گوش سردبیران برخی از جراید نمی‌رسید و نگرانی‌هایی را که از تبدیل ماجرا به جرقه‌ای ناخوشایند در آغاز سال تحصیلی جدید در اعلامیه طولانی این وزارت‌خانه به چشم می‌خورد، اصلاً احساس نمی‌کردند. شاید حتی خوشحال بودند. مائین تدارکاتی برخی از روزنامه‌ها چنان بود که روز پنجشنبه و شنبه کل صفحه اول خود را به بتزین‌پاشی بر آتش موج به راه افتاده اختصاص دادند و برای گرم کردن کوره‌ای که می‌پنداشتند توانایی ذوب ثبات جامعه و دولت را دارد با تمام قوا می‌دیدند.

گفته می‌شود درست در همان هنگامی که برخی از علمای قم پس از چند روز فکس‌هایی دایر بر دعوت به آرامش به تهران مخابره می‌کردند، متصدی فکس یکی از روزنامه‌ها از کار بلاوقته ۴۸ ساعته می‌نالید. وی مسجور شده بود سرفقاله روزنامه و مطالب و اسناد مربوط به ماجرا را برای خیلی از افراد در سراسر کشور فکس کند تا آتش تهیه خوبی برای فاز بعدی ماجرا فراهم آید.

التماتوم

فاز بعدی ماجرا چه بود؟ از همان روز شنبه پیدا بود بازتاب‌های دست‌ساز تدارک روزنامه‌های عصر چه خواهد بود. روزنامه قدس که خودش در سرفقاله‌ای تلاش کرده بود داستان چاپ شده را قرائتی جوانانی توصیف کنند که «تحت تأثیر جریان تجدیدنظرطلب مکنونات قلبی دین‌ستیزان را قبل از موعد لو می‌دهند»، بیانیه چند گروه ناشناخته را خطاطب به‌رئیس

Verleger: I.G.e.v
دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtsparkasse Köln
Germany
آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

شماره فاکس: 331 82 90 - 221 - 0049 Fax
شماره تلفن: 9322136 - 221 - 0049
آدرس کار در اینترنت:
آدرس پست الکترونیکی:
http://www.fadai.org
fadai.aksariyat@magnet.at
تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک:
اروپا: شش ماه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

«اتحاد دمکراتیک ملی» در انتخابات پارلمانی هندوستان به پیروزی رسید

۲۴ حزب و ۵ سال ثبات سیاسی؟



در ماه مه سال جاری دولت آتال بیهاری واجپایی در پی سلب حمایت یکی از احزاب ائتلافی از آن سقوط کرد. هفته گذشته انتخابات پارلمانی با پیروزی «اتحاد دمکراتیک ملی» به پایان رسید.

«ماراتن» انتخاباتی

به دلیل مشکلات تدارکاتی انتخابات سراسری در هندوستان، در طی یک ماه پنج روز طول کشید. روز ۲۸ اکتبر در ۵ منطقه این کشور سرنوشت ۶ کرسی دیگر پارلمان مشخص می‌گردد. با وجود تدابیر شدید امنیتی در همه روزهای برگزاری انتخابات درگیری‌های شدیدی روی داد که بر اثر آن صدها نفر کشته و زخمی شدند. شمارش آرای بیش از ۳۰۰ میلیون نفر هفته گذشته به پایان رسید. حزب ناسیونالیست بهاراتیا جاناتا «بی جی پی» و ۲۴ حزب

«گاندی» برای خروج از بحران، او را وارد سیاست نمود. این امر نه تنها از بحران نکاست، بلکه منجر به انشعاب در حزب نیز گردید. «سانگما» رئیس سابق پارلمان هند، «شاراد پاور» و «طارق انور» سه تن از رهبران معترض به نامزدی سونیا گاندی برای نخست‌وزیری هند از حزب اخراج شدند. این سه تن که معتقد بودند، سونیا گاندی به دلیل داشتن اصلیت خارجی نباید نخست‌وزیر هند شود، حزب «ملی‌گرای کنگره» را تأسیس نمودند.

شکست حزب کنگره اثبات کرد که هندوستان دیگر «دمکراسی مروتی» نیست که نام «گاندی» متضمن پیروزی در انتخابات باشد.

چرا جاناتا پیروز شد

پس از سقوط دولت واجپایی در ماه مه، وی تا هنگام برگزاری انتخابات موقتاً نخست‌وزیر هند باقی ماند. این چندماه «اتفاقاً» همزمان با اوج درگیری مجدد هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر شد و ناسیونالیست‌های جاناتا بر طبل جنگ کوبیدند. در وهله اول حزب جاناتا پیروزی خود را مدیون بحران کشمیر است. از سوی دیگر از مایشات اتمی و تبلیغات کردند عظیم‌طلبان هندو مبنی بر «تبدیل شدن هند به یک قدرت اتمی» عامل روانی برای پیروزی در انتخابات شد.

۲۴ حزب و ۵ سال ثبات سیاسی؟
با قطعی شدن پیروزی

ناسیونالیست‌های هندو در انتخابات پارلمانی، رایزنی ۲۴ حزب عضو «اتحاد دمکراتیک ملی» برای تشکیل دولت آغاز شد. هفته گذشته کمیته هماهنگی اتحاد دمکراتیک ملی به منظور انتخاب رسمی واجپایی به عنوان رهبر این اتحاد تشکیل جلسه داد تا به روال قانونی نام وی به عنوان رئیس بزرگترین ائتلاف پارلمانی به رئیس جمهور هند تسلیم تا از وی برای تشکیل دولت آینده هند دعوت به عمل آید. طی سه سال این برای سوین پار است که دولت در هند سقوط می‌کند و انتخابات پیش‌رس برگزار می‌شود. احزاب سراسری تشکیل دهنده دولت در طی دهها سال سیاست متمرکز را پیش برده‌اند. اما در سال‌های گذشته وزن احزاب منطقه‌ای افزایش یافت و احزاب سراسری مجبورند برای کسب اکثریت در پارلمان با این احزاب ائتلاف نمایند.

سخنگوی بی‌جی‌پی اطمینان داد که دولت جدید هند از ثبات کامل برخوردار خواهد بود و دوره ۵ ساله خود را به پایان خواهد رساند. بعید بنظر می‌رسد ۲۴ حزب از سویال دمکرات‌ها گرفته تا دراویش، هندوهای مذهبی «شیو شتا»، «تامیل نادو» و سیک‌ها در پنجاب که هر یک دارای منافع و علایق خاص خود و گاه متضاد و متفاوت هستند را برای مدت ۵ سال در یک بلوک بتوان حفظ کرد.

بیچاره مردم!



از سوی دیگر نیروهای مسلح برای سرکوب تروریست‌ها عازم چین شدند. تاکنون بر اثر درگیری بین نیروهای فدرال روسیه و واحدهای چینی هزاران نفر کشته و زخمی شده‌اند. ژنرال وزیر امور خارجه معاون اول ستاد کسل نیروهای مسلح تعداد کشته‌شدگان نیروهای روسی را ۱۲۵ و مجروحان را ۴۰۰ نفر اعلام کرد. روز جمعه گذشته در پی اصابت یک موشک به اتوبوس حامل پناهندگان بیش از ۳۰ نفر کشته شدند. هنوز از تعداد تلفات نیروهای چینی آمار دقیقی در دست نیست.

در حال حاضر بیش از ۱۲۰ هزار نفر از مناطق درگیری گریخته و به جمهوری اینگوش پناه برده‌اند.

هفته گذشته اصلا مسخودف رئیس جمهور چین در پیامی به دبیر کل ناتو خواستار دخالت این سازمان در حل مناقشه این جمهوری با روسیه شد. وی گفت دولت و مردم چین، ارتباطی با اتفاقات و تحولاتی که در روسیه رخ می‌دهد، ندارند و هرگونه عمل تروریستی را با هر هدفی که انجام پذیرد رد می‌کند. مسخودف گفت مردم چین دفاع از این جمهوری را حق خود می‌دانند و برای مقابله با متجاوزان تمام تلاش خود را صرف خواهند کرد.

هیئت سه نفره اتحاد اروپا متشکل از «تاریا هالون» وزیر امور خارجه فنلاند، «ساجام گاما» وزیر امور خارجه پرتغال و «کریس پاتن» مسئول امور بین‌المللی این اتحادیه در پی دیدار خود از روسیه، از مسکو خواست به منظور حل مسئله در قفقاز شمالی با رهبران مسئول این منطقه به گفت و گو بپردازد و تصریح نمود که چین بخشی از روسیه است و این اتحادیه هیچ شایستی میان چین و کوزوو نمی‌بیند.

از سوی دیگر معاون وزیر امور خارجه روسیه «یوگی گوساروف»، هم‌رگونه میانجی‌گری در امور داخلی فدراسیون را رد کرد. این درحالی است که چین خود را جمهوری مستقلی می‌داند. اهمیت استراتژیک منطقه برای روسیه، جاهای نفت، باندتهای تسهیلکار، مبارزه با تروریسم اسلامیت‌ها، شانس دومی برای جبران شکست جنگ قبلی، دلیل هرچه باشد در این میان بار دیگر قربانیان اصلی مردم بیگناه هستند.

ویران کشور بازدارنده گسترش همکاریهای منطقه‌ای است. اشاره گسترده‌تر به وضعیت وخیم اقتصادی کشور در چارچوب بحث حاضر نمی‌گنجد، از اینرو کافی است تنها به این نکته اشاره شود که: هنگامی که کشور ما در بحرانهای ژرف اقتصادی دست و پا می‌زند، روشن است که از لحاظ اقتصادی چیزی برای ارائه در سطح منطقه و به تحرک درآوردن پسیمانهای موجود ندارد.

البته در اینجا لازم به تاکید است که بدلیل بن‌بست همه جانبه سیاست «اسلامی» کردن جامعه، تئوری ایجاد «ام القرا» نیز با شکست عملی و نظری مواجه شده است و بطور فزاینده‌ای سیاست‌گذاران ج.ا. - بویژه پس از انتخابات دوم خرداد - از این سیاست فاصله می‌گیرند. ولی هنوز هم بعلت وزن سنگین باندتهای مافوق ارتجاعی در حاکمیت سیاست پان‌اسلامیستی و «ام القرای» از سوی بخشی از حکومت پیگیری می‌شود که این نکته در قالب سیاست خارجی متضاد ج.ا. بروز می‌کند.

عوامل خارجی

علاوه بر عوامل پرشمرده شده داخلی، عوامل قدرتمند خارجی نیز موجب رکود در همکاریهای منطقه‌ای هستند.

الف - قدرت‌های بزرگ بین‌المللی

بنا به دلایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، منطقه‌ای که کشور ما در آن قرار گرفته، از دیرباز محل تصادم منافع قدرتهای بزرگ بین‌المللی بوده ادامه در صفحه ۱۱

روابط خارجی ج.ا. به کشورهای مسلمان اولویت می‌دهیم». (۱۸) حجت الاسلام خامنه‌ای: «دولت و ملت پاکستان پایبند اسلام‌اند و این ایجاب می‌کند که ما روابط خیلی زیادی داشته باشیم». نتیجه این نگرش تک بعدی عبارتیست از:

۱ - در برقراری رابطه با کشورها عنصر موهوم و ناموجود «همبستگی جهان اسلام» جایگزین شالوده استوار و عینی «منافع ملی» می‌شود. نمونه‌ای از زیانبار بودن چنین سیاستی را در انجماد روابط ایران و هند بر سر مسئله کشمیر می‌توان مشاهده کرد، در حالیکه رابطه با هند در وهله اول بسود رشد اقتصاد کشور ما است و در گستره سیاست خارجی در مهار زیاده روی‌های پاکستان تأثیر مهمی دارد.

۲ - تکیه صرف بر عنصر «اسلامی» و در نهایت تعبیر «شیعی» آن - که به معنای خلاصه کردن فرهنگ چندین هزار ساله ایرانی در یکی از زیر مجموعه‌هایش است - مانع از بهره‌برداری بهینه از همه امکانات و ظرفیتهای موجود است. در حالیکه کشور ما با تکیه بر عنصر فرهنگی - تاریخی که زبان و ادبیات و هنر در آن جای برجسته‌ای دارد - می‌تواند نقش فعالتری در ارتباط با کشورهای آسیای میانه و قفقاز، هند و پاکستان و حتی سراسر خاورمیانه بازی کند. تک بعدی بودن سیاست مانع گسترش نفوذ معنوی کشور ما بر کشورهای و مناطق یاد شده شده است.

۳ - اقتصاد در هم شکسته و

نتیجه این وضعیت غافگری متعدد در عرصه منطقه‌ای و به هدر دادن فرصتهای ملی و کم نظیری است که جبران آن گاه ناممکن است. سیاست ناروشن و متضاد در برابر گروه‌های متخاصم افغانی، غافلگری شدن در برابر موضعگیری‌های دولت جمهوری آذربایجان در برابر ایران بر سر استخراج نفت این کشور از نمونه تأثیرات منفی عامل فوق است.

ب - سیاست خارجی ج.ا. برتری جویانه و عظمت‌طلبانه کشور ما دارای ثروتهای مادی عظیم و ظرفیتهای کم‌مانند است. آگاهی از این ثروت هنگفت و نیز سایه وزین کوهی از یسادهامان‌های بیجا مانده از عظمت امپراتوری ایران همواره در طول تاریخ کهن و معاصر بر اذهان عمومی و وجدان اجتماعی کشور ما مستکنی کرده است و می‌کند.

عظمت‌طلبی امپراتوری خواهانه همچون شیعی افکار عمومی را - فارغ از وابستگی‌های سیاسی و اندیشگی - در می‌نوردد.

انقلاب بهمن که رویاهای دستگاه بوروکراتیک پهلوی مبنی بر ایجاد «ایران بزرگ» تحت رهبری «شاه شاهان» زیر لوی ایستدولولوژیک «پسان ایرانیسم» را در هم شکست، نتوانست مانع از آن شود که این رویاها از منقذ دیگر وزیر لوی «پان اسلامیم» سر برآورد.

پیروزی غافلگری کننده انقلاب فرصتی در اختیار سرمایه‌داران سنتی، زمینداران و بخشی از